

گزارش هیات سیاسی

به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خلق ایران (اکثریت) نیز در این شماره به چاپ میرسد. بدین ترتیب اکنون اسناد پلنوم بطور کامل انتشار یافته است. مجموعه این اسناد بطور جداگانه بصورت یک مجله نیز منتشر خواهد شد. در صفحات ۴ تا ۱۴

در شماره گذشته که ویژه پلنوم انتشار یافت، مجموعه قطع نامه ها و بیبا مهای مصوب پلنوم به جز بیبا م به مردم جهان در باره زندانیان سیاسی ایران به چاپ رسید. بقیه اسناد مصوب پلنوم مهرماه ۱۳۴۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان

درباره برنامه و فراخوان ما برای جبهه متحد خلق

دستور بنیادین پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تعیین و تصویب خط مشی سیاسی و برنامه سازمان برای جبهه متحد خلق در مرحله کنونی جنبش انقلابی کشورمان بوده است.

پلنوم با بررسی روندهای عمده سیاسی - اجتماعی در دوران پس از پیروزی انقلاب بهمین و تدوین و تصویب قطعنامه "در باره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران" شالوده برنامه و خط مشی سیاسی سازمان را در مرحله کنونی مبارزه مشخص کرد. بر همین پایه و با بررسی وسیع اوضاع سیاسی کشور که چکیده آن در قطعنامه "اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر" بیان شده است، پلنوم قطعنامه "در باره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" تصویب کرد. "برنامه ما برای جبهه متحد خلق" را تصویب کرد. این اسناد بسیار مهم که چکیده تحلیلها و تجارب سازمان ما و جنبش انقلابی کشورمان را بر متن روندهای سیاسی - اجتماعی کنونی متبلور میسازند، راهنما و راهگشای شناخت وظایف جنبش انقلابی کشور ما و توضیح دهنده شیوه های ضرور و بنیادین بسیج نیروهای خلق برای انجام این وظایف اند.

در بند نخست قطعنامه "درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" سمت اصلی و جوهری سازمان بطور فشرده بشرح زیر بیان شده است:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران است. شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را هدف عاجل خود قرار داده و در این راه بیگناهی میکند. سطره ارتجاع بر کشور به مانع عمده راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی مبدل شده است. شرایط دستاویزی به این آماج ها و جهت اصلی مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پایان دادن به حاکمیت ارتجاع است."

وظیفه عمده ما در راستای آماج فوق اسرور افعال هرچه گسترده تر ارتجاع، بسیج مردم و تدارک نیروهاست. در قطعنامه "اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر" این وظایف بنیادین بطور مشروح و درجیات گوناگون مشخص شده است. برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و پیاده کردن آماج های بنیادین جنبش، همچنین بیگناهی راه اتحاد سازمانها و نیروهای انقلابی، ضد امپریالیسم و دموکراتیک و تشکیل جبهه متحد خلق اهمیت سرنوشت ساز دارد.

سازمان ما که خود همواره مبارزه در راه اتحاد نیروها انقلابی و ترقیخواه را جزو مهمترین وظایف خویش قرار داده است، تاکید میکند که این مبارزه باید سر حلقه کوششهای همه این نیروها قرار گیرد. بر همین پایه در بند ۲ قطعنامه مربوط به خط مشی سازمان ما آمده است:

پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به مناسبت شصت و هفتمین سالگشت

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

در صفحه ۳

پیام پلنوم کمیته مرکزی

به جهانیان

درباره زندانیان سیاسی ایران

در صفحه ۳

مبارزه دهقانان علیه بازگشت بزرگ مالکان تشدید می شود

حکومت در واقع با این اقدام زمینه مناسب را برای رشد مینداری بزرگ بطور قاطعی فراهم نمود. این سیاستها و اقدامات ارتجاعی سبب گردیده است که بخش قابل ملاحظه ای از زمینهای ناچیز ما دره شده و واگذار شده دهقانان، به بزرگمالکان بازگردد. یکی از اعضاء ستاد مرکزی هیئت واگذاری زمین درماحبه ماکیان (مقدم شهریورماه ۶۳) در پاسخ به سؤال خبرنگار که می پرسد: "قسمت عمده اراضی که توسط هیئت واگذاری زمین واگذار شده مانند اراضی کشت موقت ۲۰۰۰ تا در حال واگذاری به مالکین سابق می باشد" چنین پاسخ میدهد: "..... ما می بینیم متاسفانه در بعضی جاها در دادگستریها با اینکه تصویب دارد و پرونده نشان میدهد که این زمین در سال ۵۸ و ۵۹ در دست زارعین قرار گرفته و الان هم در اختیار آنهاست ولی حکم به خلع بد، زندان، حکم شلاق می دهند و با سبب مواریدی است که ما روزانه با آن درگیر هستیم. خبرنگار همچنین می پرسد: "بعد از توقف بنسب (ج) و (د) آیا مواریدی که اراضی کشت موقت به مالک سابق مسترد شده باشد وجود دارد؟" او پاسخ میدهد: "البته اگر منظور آن ارضال ۵۹ به بعد باشد، بله در مواردی، نادکها حکم دادند و مالک هم سرزمین خود رفته و مشغول کار شده..."

اخیرا یکی از نمایندگان در مجلس در این باره چنین اظهار داشت: "ارمذنی قبل برکتش خاکیا و فکودالها و برگرداندن زمینها با حکم حتی برخی از مراجع صادره کننده قلمی سه آنان و ارباب و تهید و ضرب و جرح و حبس کتا و رزان محروم و زحمتکش و متک حرمت آن عزیزان در منظر حتی خانواده هاشان گزارش میشد..."

(اطلاعات چهارشنبه ۲۵ مهرماه)

از اینگونه خودفاکاریها، که خود مسئولین حکومتی ابعاد تهاجم بزرگ مالکان به روستاها را بر ملا میسازند، هر روز اتفاق می افتند.

بقیه در صفحه ۱۵

در قطعنامه پلنوم مهرماه ۱۳۴۳ کمیته مرکزی سازمان اوضاع سیاسی کشور، در حال حاضر "آمده است: "سیاست ارتجاعی و ضد دهقانی هیات حاکمه به تشدید ورتکبگی اقتصاد کشور و مهاجرت توده های دهقانان منجر شده، توده دهقانان علیه این وضع سه اشکال مختلف در برابر کشور ما ریزه میکنند. سیاستهای حاکمه دایر بر دفاع از بزرگ مالکان، مقاومت و اعتراض دهقانان روستا، رژیم بساری از دهقانان را خاطر مقام مسئولیت در برابر مالکان بزرگ به زندان افکنده است. مبارزه علیه بزرگ مالکی و بطور مشخص علیه بازگشت بزرگ مالکان به روستاها عمده ترین وحادترین موضوع مبارزه دهقانان است."

اطلاعات ارضی این خواست مهم توده دهقانان و مسئله اساسی انقلاب را رد قانون هفت بار آرا کشیده مصوبه مجلس، توسط شورای نگهبان در سال ۶۱ و حمایت آیت الله خمینی از آن تورا متروک شد. بعد از آن نیز با صدور فرمان ۸ ماده ای زمینه قانونی بازگشت بزرگ مالکان به روستاها هموار گردید و تدریجا بزرگ مالکان تحت حمایت ارگانهای سرکوب رژیم به بازگشت زمینهای خود که دهقانان زحمتکش در جریان انقلاب و پس از آن از آنها محاربه کرده بودند و آنها فیکه هیئت های هفت نفره در سال ۵۹ واگذار رنموده بودند، پرداختند.

دراواخر سال ۶۲ رژیم با تصویب ماده و بعد مربوط به زمینهای موقوفه مالکیت دهقانان و سایر املاک وقفی واگذار شده به دهقانان صاحب نسق را غیر "قانونی" اعلام کرد. غلط این تصمیم قرار بر این شد که مجددا "با حفظ مصلحت وقف با متصرفین" اجازه نامه تنظیم شود.

در اوایل سال ۶۳ نیز هیئت دولت طی تصویب نامه ای تصمیم گرفت به دا وطلبان سرمایه گذار ودر کتا ووزی، به مقدار دلخواه آنان زمین واگذار کند.

۱۶ آذر: الهام بخش جنبش دانشجویی

۱۶ آذر بنام روز دانشجو، منظر ایمان به راه مردم و آشنی ناپذیری و مبارزه ایثارگران علیه دشمنان مردم ویرج غرور آفرین مبارزه انقلابی دانشجویان است.

در تمام دوران ستم شاهی دانشگاه سنگر مهم و تنخیر ناپذیر مبارزه علیه خفگان و آزادی گشی و سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی رژیم بود. در تاریکترین روزهای دیکتاتوری، زیر فشار جنیمی ساواک، کار دانشگاه و دیگر نیروهای سرکوب وزندان و شکنجه و اعدام، شلخته و پرتو افشان بود. دانشجویان از سنگر دانشگاه در دوران انقلاب دانشجویان اغلب در صفوف مقدم تظاهرات و مبارزه توده ها جای داشتند.

انقلاب اکتبر: رویداد دوران ساز

"ما اعلام می داریم که قرار داد تقسیم ایران از هم دریده و بنا بوده است از جانب روسیه و دولت انقلابی وی سارت در انتظار شما نیست بلکه از جانب زندگان امپریالیست یعنی از جانب آنهاست است که میهن شما را به مستعمره توهمین شده و تا را پیرفته خویش بدل ساخته اند" لنین

شصت و هفتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، در اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی و توسط نیروهای انقلابی سراسر جهان با شکوه تمام و با امید پیروزیهای

بقیه در صفحه آخر

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

درباره برنامه و ... بقیه از صفحه اول

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میزاییستی در جنبه متحد خلق برای تشکیل یک دولت انقلابی جهت تحقق آماج های دموکراتیک و ملی مبارزه میکند ...

مواد چهار، پنج، شش و هفت قطعنامه خط ملی سازمان ما هر یک اختصاصی دارد به دعوت سازمان با گروه های معینی از نیروهای انقلابی و ترقیخواه اتحادیسمان مشترک در راه تشکیل جبهه متحد خلق ...

پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما در بند ۴ قطعنامه مربوط به خط ملی "منتهین از سازمان دموکراتیک و فدا میزاییستی" علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم و در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ...

پلنوم با توجه به ویژگیهای ایدئولوژیک سیاسی این نیروها آنان را "سوی هستگی با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و مبارزه علیه انتصاب طلبی" فرا خوانده است. در بند ۵ قطعنامه فوق، پلنوم "سازمان معاهدین خلق ایران را به: همکاری و اختراک برای پیشبرد مبارزات خلق ایران در راه دموکراسی و بخاطر تامین عدالت اجتماعی" دعوت میکند. در آنجا تصریح شده است که "مبارزه دو سازمان در استمرار صلح و علیه اختناق و ارتجاع حاکم بر کشور امکان همکاری دو سازمان را فراهم آورده است"

در بند ششمین اعلام حمایت مجدد از "مبارزات حزب دمکرات کردستان در راه تامین خودمختاری برای مردم کردستان" تاکید شد که "گسترش مناسبات و همکاریها بین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان بود خواستهای دموکراتیک خلق کرد و تمام مردم ایران است"

همچنین در بند ۷ قطعنامه از "مسلمانان مبارزی که با شعار آزادی و با ایده آل های استقلال طلبانه و عدالت خواهانه در انقلاب شرکت داشتند و به آرمانهای خود وفادارند" برای "اشتراک بساعی با دیگر نیروهای ترقی خواه" دعوت شد.

یکی از دستاوردهای بزرگ و بنیادین پلنوم همراهم کمیته مرکزی سازمان ما تصویب برنامه سازمان برای جبهه متحد خلق است. در آغاز برنامه ما برای جبهه متحد خلق اعلام شده است: "شرط ضروری برای تامین استقلال همه جانبه ملی، تامین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تامین عدالت اجتماعی در کشور، پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و تشکیل یک دولت ملی دموکراتیک است"

برنامه ما برای جبهه متحد خلق، که شامل هفت فصل و سی و سه بند است، همه آماجهای عمده مبارزه مردمی منبهم ما در این مرحله از تکامل جنبش را یک به یک مشخص کرده است. تصویب این برنامه که پاسخگوی نیاز ضروری جنبش ما و بیانگر سمت اصلی حرکت و آماجهای عمده مجموع جنبش انقلابی کشور ما است کامی بسیار مهم و راهگشا در راستای بنیکار بخاطر اتحاد نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میزاییستی، تشکیل جبهه متحد خلق و گسترش پیروزمندان مبارزه علیه ارتجاع حاکم است. ما اعتقاد راسخ داریم که همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میزاییستی میتوانند والاترین آماج های مردمی خود را در این برنامه بیابند و در برپای آن نقش هر چه موثرتری درشد و گسترش مبارزه ایفا کنند.

برنامه و خط ملی سیاسی ما سطره ارتجاع بر کشور را مانع عمده در راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی اعلام میکنند و پایان دادن به حاکمیت ارتجاع را "شرط ضروری" برای رسیدن به این آماج ها اعلام میکنند. در عین حال با واقع بینی انقلابی مسلمانان مبارزی که خارج از سازمانهای انقلابی و ترقیخواه اپوزیسیون در کشور و از جمله در نهاد های حکومتی فعالیت میکنند و سر پایه وفاداری به آرمانهای ترقیخواهانه خود به مبارزه علیه ارتجاع حاکم کشیده میشوند راه اتحاد با دیگر نیروهای ترقیخواه دعوت میکنند و جای آنان در صف نیروهای جبهه متحد خلق مشخص کرده و مورد تاکید قرار میدهد.

ما پایان دادن به حاکمیت ارتجاع را جهت اصلی مبارزه سازمان اعلام میکنیم. در عین حال از جا پد کردن شیوه مبارزه در راه تدارک

نیرو، که وظیفه کنونی جنبش است برهیز میکنیم و متناسب با سطح تکامل مبارزه خود ها کار بست همه اشکال موثر مبارزه را ضروری میدانیم. اینکه مبارزه مردم از چه راهی و با کدام شیوه ها مراحل تکوین و تکامل خود را میپیماید امری است که نه سه اراده ما بلکه به منطق تکامل واقعیات عینی بستگی دارد. وظیفه ما شناخت همین واقعیات و کوشش برای ارتقاء و سمت آن است.

برنامه ما برنامه طبقه کارگر برای جبهه متحد خلق در این مرحله از تکامل جنبش است. این برنامه نه سر پایه نفی خواستهای نیروهای از صفوف جنبش، بلکه با توجه دقیق به منافع همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میزاییستی، منطبق بر شرایط جامعه و جنبش تنظیم شده است.

پذیرش احزاب، این برنامه توسط نیروهای جبهه خلق، نه اعتقاد ما جنبش را به بهترین نحو برای شناخت و انجام وظایف محیز میسازد و ما در این راه مبارزه میکنیم. در عین حال ما پذیرش برنامه خود برای جبهه متحد خلق را شرط همکاری و اتحاد با دیگر نیروهای ترقیخواه قرار نداده ایم و چنین شروطی را در متفاد با تلاش برای اتحاد نیروهای ترقیخواه میدانیم. بر همین اساس پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما در سر آغاز برنامه مصوب پلنوم اعلام کرده است:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این برنامه را بعنوان برنامه این جبهه (جبهه متحد خلق) پیشنهاد میکند و آمادگی خود را برای مذاکره با سایر نیروهای ملی و دموکراتیک ایران به منظور دستیابی به برنامه مشترکی که مورد توافق همه آنان قرار گیرد اعلام میکند"

اکنون این برتنش پیش نیاید که نیروهای انقلابی و ترقیخواه کی و چگونه باید حل مسائل و انجام وظایف طریخورد در زمینه تامین اتحاد ضروری در جنبش بکشند؟

به اعتقاد ما هیچ زمانی برای انجام این وظایف ضروری نیست و هیچ شیوه ای هم مناسبتر و موثر تر از تماس مستقیم و گفتگو برای حل مسائل نیست.

بزرگترین ضعف جنبش انقلابی کشور ما در طول تاریخ معاصر پراکنندگی و عدم اتحاد آن بوده است. امپریالیسم و ارتجاع همه تلاش خود را به کار میبندند تا میان نیروهای مردمی تخم بند بینی و نفاق بپراکنند آنها را از نزدیکی و اتحاد با یکدیگر بدین و در هراس بارند و با هزاران توطئه در راه نزدیکی و اتحاد آنان مشکل ایجاد کنند. کمونیست ستیزی توده های ستیزی، فدائیت ستیزی و مجاهد ستیزی بهره گیری نفاق افکنانه، از مذهب و ملیت دامن زدن به توهمات گوناگون در میان نیروهای سیاسی ترقیخواه، برآه انداختن ستیزه و رقابت فرساینده میان نیروهای مردمی و تلاش برای درگیر کردن آنان با یکدیگر، تلاش برای تکه تکه کردن سازمانهای انقلابی و مبارزه با هدف تضعیف بی اثر کردن آنها، همه و همه شیوه های است که ما بطور روز مراه شاهد کار بست آنها از سوی دشمن هستیم.

همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه باید بیش از پیش این تلاشها و خردهای امپریالیسم و ارتجاع را باز شناسند و جدا و با تمام توان برای خنثی کردن آنها بکوشند. برخورد آگاهانه با این توطئه ها و غلبه بر آنها جنبش انقلابی کشور ما را قادر میسازد تا در زمانی هر چه کوتاهتر و با شیوه های هر چه موثر تر راه اتحاد دوتنی و گسترش تعرض علیه امپریالیسم و ارتجاع را بییاید.

امروز شرایط عینی و ذهنی مساعدتری برای نزدیکی همکاری و اتحاد نیروهای انقلابی و ترقیخواه فراهم میشود. مردم کشور ما توسط دشمن مشترکی سرکوب میشوند و سازمانهای ما زیر ضرب خصم واحدی قرار دارند. امروز همه ما در راه صلح و آزادی، در راه استقلال کشور و پیروزی مردم رودر روی دشمن واحدی قرار داریم. شعار صلح و آزادی، شعار استقلال و عدالت اجتماعی که بر زبان انقلابیون جاریست در فضای کشور ما طنین یکبار چیده ای مییابد. خون رزمندگان ما در میدان رزم و در کتف که گاهای دشمن بهم میآمیزد و نیروی ما در بر سرست عینی که علیه امپریالیسم و ارتجاع انجام میدهد بهم میپیوندد. ما با بد آنجه را که در عمل متحقق میشود در عمل ضروری میگردد، آنچه را که منطق رشد و گسترش و پیروزی جنبش انقلابی کشور ما ضروری مییابد، آن انقلابی و شایسته دهم، بیایند بر آماج های مشترکمان تکیه کنیم و راه پیروزی آفرین اتحاد را بییاییم. بیایند با نو احد و پیروزی متحدی علیه امپریالیسم و ارتجاع، علیه دشمنان مسلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی با شیم!

۱۶ آذر ... بقیه از صفحه اول سیاسی را در دانشگاه بختکاند، بیوند آنرا با جنبش توده ای قطع کند وزیر شعارهاست چون بیوند دانشگاه و روحانی و بیوند دانشگاه و فقیه، محیط سیاسی و آموزشی دانشگاه را به کنترل خود آورد. کهنه کاران انجمن سیا ساخته جنبه وطلادان "اوس" جهت محور گونه فکر و فعالیت انقلابی. خارج کردن دانشگاه از محیط سیاسی کشور و زدودن آن از اندیشه و آموزش علمی، از هیچ اقدام ارتجاعی و حساسیت آمیزی فروگذار نکردند. هزاران تن از دانشجویان و استادان ترقی و مبارزان دانشگاه اخراج شدند. بسیاری از آنان که حرمی جسر مبارزه در راه مردم نداشتند دستگیر، شکنجه و اعدام و سر به نیست شدند.

پس از بازگشتی نیز معهود دانشجویان بازگشته و پذیرفته شدگان جدید، با وجود تمهین سنگین و گذراندن فاشیستی ترین تفتیش عقاید و تحقیقات پلیسی، هنوز هم هیچگونه تأمین در امروز وفردای خود ندارند. گزارش غرضی بود انجمن اسلامی گانگنست تا آنان راه اخراج و بایه زندان بکشند، در مورد آموزشی نیز گذشته از زیانهای جبران نابذیر تعطیلی دانشگاه، سیاست علم ستیز و قشریگری رهبران جمهوری اسلامی آنجمن فحایع آفریده که دانشگاه را از وضعیت اسفناک دوران شاه نیز سی عقب تر برده است برنامه ها و کتابهای آموزشی بیی از پیش از ازمایش علمی تپی شده و با مفاد خرافاتی و قشری و دوری تمحیلی انباشته شده است. تصفیه اساتید با تجربه و نابودی امکانات آموزشی، سطح آموزش را شدت تنزل داده است. هزاران جوان شایسته و مشتاق تحصیل که در کشور قبول شده اند، با تکه تفتیش عقاید و تحقیقات پلیسی آنجمن، بجرم مکتبی نبودن زورورده دانشگاه محروم میشوند. فشار انواع محدودت های آزار دهنده و برنامه های تمحیلی، محیط تزویج و جاسوسی، ارباب و نا امنیتی و تفتیش عقاید و اختناق، نقای آموزشی و تمحیلی را غیر قابل تحمل ساخته است. این وضعیت جدی ترین زمینه اعتراضات دانشجویان و استادان است. دانشجویان با کاردست جبار غنی مبارزات منفی سیاسی در سالهای اخنق گذشته، میتوانند اشکال مبارزه در شرایط موجود ریا فتنده، تشکلهای دانشجویی ریا به ریزی نموده و روز به روز توده وسیعتری از دانشجویان را مبارزه جلب کنند.

جنبش دانشجویی از میان آتش و خون دوباره برمیخیزد و دانشگاه جای واقعی خود را در جنبش انقلابی ایران با خود خواهد یافت. مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی دانشجویان جزئی از جنبش عظیم ملی و دموکراتیک منبهم ماست. هم اکنون آشکار شدن هر چه بیشتر سیاستها و چهره ضد ملی و ضد مردمی رهبران جمهوری اسلامی، خیانت آنان به انقلاب و شکل گیری مبارزه توده ها علیه حاکمیت ارتجاع با زتابهای جدی در محیط خفقان آلود دانشگاه با وجود آورده است. حقایق امروز آشکار تر از آنست که قابل کتمان باشد. خیانت رهبران جمهوری اسلامی همه دستاوردهای انقلاب ریا به نابودی گشاده، دست سرمایه داران زمینداران بزرگ را در غارت لگام گسیخته توده های زمینکش با گشود و کشور را سوی وابستگی همه جانبه به امپریالیسم سوق میدهد. دانشجویان در برابر شکست انقلاب، عوارض و خشتناک سیاست ادا هم جنگ و اوج گیری مبارزه مردم علیه سلب آزادیها و سرکوب نیروهای انقلابی، مبارزه گسترش یابنده کارگران، با زکشت بزرگ مالکان و مبارزه دهقانان، اوج گیری اعتراضات عمومی توده ها علیه گرانی، مسکن و ... نمیتوانند و نباید ساکت بنشینند. جنبش دانشجویی در برابر شرایط حساس و تحولات سرنوشت ساز که در جامعه ما میگذرد و وظایف بسیار خطیری برعهده دارد. بیوند با مبارزه توده ها و افتتالی سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی حکومت، مهمترین این وظایف است.

تحقق وظایف خطیر فوق و خنثی شدن توطئه های رژیم برای خفه کردن جنبش دانشجویی و جدا کردن آن از جنبش توده ای، مستلزم آگاهی توده وسیع دانشجویان و تکاتفن برده اختناق حاکم بر دانشگاه است. این امر را آگاهگران سیاسی افشای سیاستهای فدا انقلابی حکومت و با زتاب هر چه گسترده تر مبارزات مردم در میان تنبده دانشجویان را در صدر وظایف دانشجویان انقلابی قرار میدهد. دانشجویان انقلابی با استفاده از تجرب برپا ر گذشته، اشکال و چگونگی پیشبرد این وظایف را در شرایط اختناق موجود بییایند میکنند. کشفیت که مبارزه انقلابی دانشجویان سد ارتجاع و اختناق حاکم برداشته و اشکافته و دانشگاه همچنان به سنگر افتخار آفرین یکبار علیه امپریالیسم و ارتجاع تبدیل میشود. دانشجویان به میثاق ۱۶ آذر وفادارند

پیام بلند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به جهانیان

درباره زندانیان سیاسی ایران

میهن ما واقف است سیما مستبدین حاکم برای ایران بسیار موثر بوده است. مردم میهن ما با سبک‌داری از این حمایت بین المللی خواستار گسترش هرچه بیشتر اعتراض و مبارزه اجزای سازمانها و نهادهای مترقی بین المللی علیه رژیم ترور و خفقان و در راه آزادی زندانیان سیاسی ایرانند.

زندانیان سیاسی در پیدا دگاهایی محاکمه میشوند که در آنها هیچ قانون و ضابطه‌ای جز "اذن حاکم شرع یعنی همان افراد قبی القاب و بی فرهنگ و کین تیزی که از سوی رژیم به سمت قاضی منسوب میشوند وجود ندارد. محاکمات مخفی است. متهمین حق کزینش وکیل و مکان و فرصت دفاع از خود را ندارند.

کسترده با دهمستی بین المللی با مبارزات مردم ایران در راه تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی ایران

زندانیان را به تعاضای اعدام هم زنجیران خود میبرند و از آنان میخواهند که حکم را اجرا کنند. اعمال رژیم در زندانها میگویند زندانیان را با شکنجه و اربابانه تسلیم وادارند و آنان را به اقرار به گناهانی وادارند که هرگز مرتکب نشده اند. رژیم تلاش دارد زندانیان سیاسی را به محاسبه های تلویزیونی وادار سازد و شخصیت و حیثیت و سابق و خدمات آنان به مردم و میهن را بی اعتبار و لکه دار سازد.

مردم آزاده جهان! میهن ما ایران روزگار سخت و دشواری را میگذراند. حکومت جمهوری اسلامی، همسایه آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی را با یمنال کرده و رژیم ترور و خفقان را به کشور ما تحمیل کرده است. مبارزات مردم میهن ما در راه ملی و آزادی و تامین حقوق خویش با سرکوب خونین و فزاینده روبروست. سازمانهای ترقیخواه ایران، که در راه آزادی و بهروری مردم ایران بیکار نمیکنند، آماج پیگرد و سرکوب فاشیستی هستند. رژیم جمهوری اسلامی، با زیر پا گذاشتن همه حقوق اجتماعی و بشری مردم، مخالفین ترقیخواه خویش را پیشاپیش به مرگ محکوم کرده است.

دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما، به اتهام وفاداری به میهن و مردم خویش، به اتهام دفاع از حقوق انسانی و بشری و مبارزه در راه آزادیهای و آلی مردم، در زندانها و شکنجه گاهها بسر می برند. زندانیان سیاسی ایران از هرگونه حقوقی بی بهره اند و هیچ قانونی در حمایت از آنها پذیرفته نمیشود. زندانیان سیاسی ایران حتی آندسته از زندانیان که مدتها پیش محاکمه و به زندان محکوم گشته اند، همواره آماج خطر مرگ قرار دادند. هر آینه ممکن است در نتیجه انتقامجویی مایورین زندان در برابر جوخه اعدام قرار گیرند.

بلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهر ماه ۴۳

مردم آزاده جهان!
اعتراض و مبارزه شما علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، در حمایت و تقویت مبارزه مردم

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به مناسبت شصت و هفتمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی

خلق مبارز ایران همواره این کمکها را بیاد خواهد داشت.

آزادهای سوسیالیسم پیشرفته و شکوفایی بی بدیل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور شما را، اتحاد شوروی را به الگوی امید بخش برای زحمتکشان همه کشورها تبدیل کرده است.

رفیق کنستانتین اوستینویچ چرنینکو دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی

در این روزهای دشوار که انقلاب بزرگ ایران با توطئه امپریالیسم و ارتجاع ایران در مسیر شکست قرار گرفته است و نیروهای مبارز راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ایران در شرایط فوق العاده دشوار وظیفه تاریخ خود عمل میکنند، اگر همبستگی بیدرج و متعهدانه همه بشریت مترقی و در رأس همه حزب کمونیست اتحاد شوروی با انقلاب و انقلابیون ایران نبوده، توطئه امپریالیستی و ارتجاعی برای خاموش کردن مبارزات حق طلبانه مردم این چنین رسوا و زبون نمیشد. خلق مبارز ایران هیچگاه همبستگی و کمک انترناسیونالیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کشور شما را به انقلابیون و جنبش انقلابی مردم ایران را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه کسب استقلال ملی و استقرار صلح و دموکراسی و در راه پیشرفت اجتماعی، فراوشن خواهد کرد.

مبارزه بیکر و بیروزمندان خلق شوروی به رهبری حزب کمونیست در راه حفظ صلح جهانی و تسخیر زدائی و پایان دادن به مصائب مسلحانه مورد پختیانی و تحسین همه خلقها و همه نیروهای صلح دوست سراسر جهان است. سیاست صلح جوانان حزب شما عمده ترین مانع در راه مبارزات صلح های امپریالیسم آمریکا است. جنبش عظیم و بی سابقه صلح در اروپا و آمریکا علیه استقرار موشکهای هسته ای میان آمریکا و آمریکا در اروپا یک نمونه بارز است گسترش نفوذ و اعتبار روز افزون سیاست حزب شما در دفاع از حفظ صلح جهانی و پیوند عمیق اهداف این سیاست با منافع ملتهاست.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرا رسیدن شصت و هفتمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر را به شما، به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و به همه خلق شوروی از صمیم قلب شادباش و تهنیت مینویسد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بیروزی انقلاب کبیر مبارزان راه آزادی ملتها را بوجد آورد و به مبارزه آنان اوج تازه ای بخشید. از زمان مبارزان راه آزادی مسلسل تحت ستم و در سیما کشور شما با پشتیبانان و حامی خود را می بیند. امروز کشور اتحاد شوروی مطمئن ترین تکیه گاه جهانی همه خلقها در مبارزه با خطر استقلال و آزادی خویش است. خلق مبارز و انقلاب بزرگ ایران ما را در حمایت ترین لحظات و آوگیری خود از پشتیبانی و حمایت فعال و موثر کشور شما سرخوردار بوده است.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر که با فداکاری و حماسه آفرینی خلق شوروی و به رهبری حزب کمونیست و لنین بزرگ آفریده شد و به بیروزی رسید، عامل قطعی در تغییر مسیر عمومی رویدادهای جهان بسود کارگران و زحمتکشان و ملل تحت ستم و بر علیه امپریالیسم و ارتجاع بود. انقلاب کبیر قلب و روح کارگران و زحمتکشان و زحمتکشان و ملل در بند سراسر جهان را تسخیر کرد و الهام بخش مبارزه آنان شد. با انقلاب کبیر بی ریزی جامعه عمیقاً انسانی و عادلانه که بشریت قرنها در آرزوی آن و برای واقعیت بخشیدن به آن مبارزه میکرد، آغاز شد. خلق کبیر شوروی در محاصره دشمنان خارجی و بسا نشاردها میلیون قربانی، در راه بیروزی آرمان اکثریت یکدم از پیشروی باز نماند و به بیروزی های تازه تر دست یافت. امروز دست.

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

با سخ دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالتیها به پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای عزیز!

بهترین دروهای رفیقانه ما را بمناسبت شصت و شصتمین سالروز تاسیس حزب کمونیست یونان بپذیرید. مبارزه قهرمانانه حزب شما در بیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح و سوسیالیسم استوارنگیز بوده و در میان مبارزات طبقه کارگر و بشریت ترقیخواه جایگاه برجسته ای دارد.

همراه با دروهای گرم و روز مجویانه شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست سوریه را شادباش می گوئیم. مبارزه حزب شما در طول این سالها در از علیه امپریالیسم، ارتجاع و صیونیسم ثمرات پرارجی برای طبقه کارگر و مردم سوریه و همه خلقهای منطقه بیار آورده است.

فرخ نگهدار دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفیق ارجمند، علاقمندم که به خاطر پیام تبریک و شادباش شما بمناسبت کزینش من به سمت دبیر کلی حزب کمونیست ایالتی، صمیمانه تشکر کنم. حمایتی که از لبلای بیانات دوستانه و پرارج شما نسبت به خود می یابم، انگیزه ارزشمندی است برای استقبالی از مسئولیت جدید و متعهدانه ای که به من سپرده شده است. حمایت شما همچنین حزب ما را در فعالیت بین المللی خود برای صلح، تسخیر زدائی، دموکراسی و ترقی اجتماعی تشویق می کند.

ما اطمینان داریم که حزب شما در پرتو اعتقاد بی خدش اش به مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه بیکار در راه طبقه کارگر یونان من موفقیت های با زهم بیشتری بدست خواهد آورد.

ما اطمینان داریم که مبارزات بیکارانه و خستگی ناپذیر حزب شما علیه ارتجاع و برای بهروری طبقه کارگر و خلق سوریه موفقیت های با زهم بیشتری را برای حزب شما، مردم سوریه و همه خلقهای منطقه بیار خواهد آورد.

بهترین دروهای خود را برای بیروزمندی فعالیت شما ابلاغ می کنم. بهترین دروهای خود را برای بیروزمندی فعالیت شما ابلاغ می کنم. الساندرو ناتا

برای شما در مبارزه در راه صلح، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم توفیق با زهم بیشتری آرزو می کنیم. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گزارش هیات سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در شرایطی برگزاری می‌شود که ارتجاع حاکم مینماید و ما را عرصه یک تازیبهای جنون آمیز خود ساخته است. انقلابیون و میهن پرستان، به وحشیانه ترین شکل شکنجه و کشتار می‌شوند. اختناق بی سابقه‌ای بر سر راه سرکشواریا نداخته و ادا به لوجان نه وسیله سرچنگ، کشور را ویران، جوانان را قتل عام و اقتصاد کشور را از هم گسیخته است. پلنوم در شرایطی برگزار می‌شود، که سرمایه داران و ملاکین بزرگ فراری و انحصارات امپریالیستی غارتگر، باز میگردند و در پناه حکومت، غارت و جپاول بی‌امان محرومان و زحمتکشان را با خشونت نفرت انگیز تر از سر می‌گیرند. اینها همه نشان آنست که انقلاب شکوهمند و عظیم بهمین ۷۷ طلیغرم همه جان‌بازیها و زحمات توده‌های مردم، به علت خیانت ربه‌ران جمهوری اسلامی، نتوانسته است به اهداف و آلائی خود دست یابد. این خیانت کرده‌غم به سفره زحمتکشان مینماید و زنده‌گانی را بر توده‌ها تیره و تار ساخته است. آیت الله خمینی که زمانی در راه انقلاب قرار داشت، مدتهاست علیه آن سرخاسته و علیه توده‌های مردم زحمتکشان به نفع سرما به داران عمل می‌کند. اما رفقا! امروز زحمتکشان اعتراضی و قدس را نشان و قوت گرفتن نیروهای انقلابی، امید به پیروزی و بهروزی را در وجود ما تقویت می‌کند. رژیم علی‌رغم یکا گرفتن چنانکه راه نه‌ترین روشها برای نابودی سازمانهای انقلابی، نه تنها موفق نشد این روزها، بلکه در هم شکست، بلکه انقلابیون را ستین موفق شده اند در زیر بار سنگین فشارهای جنون آمیز رژیم، صفوف خود را استوار سازند و با اقبال و آغوش باز توده‌های مردم زحمتکشان رو ببرد کردند.

در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته است و طی پنج سال آینده (سالهای ۸۹-۱۹۸۵) اعتبارات نظامی به میزان ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. این رقم تقریباً برابر با سالهای گذشته است. علاوه بر این آمریکا به متحدین خود در نا تونفا را می‌آورد تا هزینه‌های نظامی خود را افزایش دهند.

مقامات جنگ فرورزا آمریکا می‌مدتهاست که از امکان جنگ محدود حتی بلند مدت هسته‌ای سخن می‌رانند. آنان طرح جنگ هسته‌ای و هستی میلیتاریستی خود را به مناسبت واکنش در برابر خطر موهوم از جانب اتحاد شوروی و بیمنزله مسدود کردن در بحتهای آسیب پذیری در دفاع ازنا توقلمدا می‌کنند.

دولت ریگان در تکمیل سیاستهای جنگ افروزانه خود، شبکه گسترده‌ای از پایگاهها و تاسیسات نظامی در مناطق استراتژیک جهان ایجاد کرده است. در حال حاضر آمریکا بیش از ۵۰۰ پایگاه و تاسیسات نظامی در ۳۲ کشور جهان دارد که بخشی اعظم آنها در نزدیکی سرحدات اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار دارند. واکنش برای سرهم بندی کردن پیمانهای نظامی جدید تلاش وسیعی را آغاز کرده است. ریگان در طی سفر توده گره جنوبی و ژاپن برای ایجاد پیمان سه جانبه واشنگتن - توکیو - سول وارد مذاکره شد.

امپریالیسم آمریکا برای تلاشی جنبشهای رها فیکش و برای سرنگونی حکومتها ی ملی و مترقی و تحمیل نظم مورد پسند واشنگتن به آنان، تاج و تاج خود را در آمریکا مرکزی، خاورمیانه و مناطق دیگر جهان تشدید کرده است. در سال گذشته سرمایه‌دان آمریکا بی‌رحم گرانادا که قلمرو آن تقریباً سه هزار برابر کوچکتر از آمریکا است یورش آوردند و حاکمیت ملی گرانادا را و حشیانه لگدمال کردند. حکومت مترقی این کشور را که بود زحمتکشان اقدامات بنیادی انجام داده بود، سرنگون کردند و حکومت سرسپرده آمریکا را جایگزین آن ساختند.

امپریالیسم آمریکا با این اقدام راهزانه نشان داد که به هیچیک از موازین و مقررات بین المللی پای بند نیست و هر جا که فرصت پیدا کند بی‌معاوان و اندام جهانی خود را جاهه می‌دهد که علیه کشورهای آزادیخواه و دموکراتیک کند و حتی آشکارا آنها را به نغال خود در آورد. در نیکیا را گوئه نیز دولت ریگان برای سرنگونی دولت انقلابی و بازگرداندن دیکتاتور دست نشانده خود بهر وسیله‌ای متوسل می‌شود. امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن، مردم السالوادور را که برای رهایی از جور و ستم حکومت دیکتاتوری بی‌خاسته‌اند، با شقاوت تمام تاج سلسله‌ها و سب‌های ناپالم خود قرا می‌دهند.

امپریالیسم آمریکا و متحدین آن با کسب تکفکاران خود به لبنان، به‌عنوان رژیم صهیونیستی اسرائیل، این کشور را هدف تاج و زحمتکشان خود قرار دادند. آنها جنگ اعلان نشده علیه انقلاب ثور افغانستان را رهبری و سالانه صدها میلیون دلار هزینه آن را تا می‌کنند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امروز علی‌رغم اینکه دشمن دهنان از بهترین کادریان و مجرب وعده‌ای از اعضای کمیته مرکزی را از آغوش خلق ربوده و شمار آنرا از آن رادریز شکنجه‌های ددمشانه و جنون آمیز به شهادت رسانده است. افتخار آنرا دارد که نه تنها توانسته است در برابر سنگین ترین یورشهای ارتجاع یابد، و از موجودیت انقلابی خود پیروز ماندن با ساداری کند، بلکه توانسته است به روش و همراهم با با هم زمین حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران و سنگر استوار دفاع از سوسیالیسم و انقلاب دموکراتیک در پیش بانغرض علیه رژیم را آغاز کند و با استواری و بی‌گیری آن را گسترش دهد.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خود نشان پیروزی مادریک مرحله از نبرد علیه ارتجاع حاکم است. تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما، که با حضور اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و تمام اعضا هیئت سیاسی و هیئت مدیران کمیته مرکزی حاضر در پلنوم ۲۷ هژاد ۱۳۶۱ کتایش می‌یابد، خودنمونه نشان آنست که علی‌رغم سبک‌بازی رژیم و سرمداران خاکین آن، جنبش انقلابی طبقه کارگر و همه خلقهای ایران توانمند است و روبه گسترش می‌رود. برگزاری پلنوم نشان با زرقدرت ما و ضعف و سستی دشمنان ما در رسیدن به اهداف ضد خلقی و ارتجاعی شان است. من به توفیق خود و آسوی شما رفقا و شرکت کننده در پلنوم، با این پیروزی بزرگ جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران را به همه اعضا و هواداران سازمان و به همه مبارزان راستین راه طبقه کارگر ایران تبریک می‌گویم.

رفقا!

گزارش جامع هیات سیاسی کمیته مرکزی را به ترتیب زیر به اطلاع می‌رسانم.

- ۱- نگاهی به اوضاع جهان و منطقه
- ۲- انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی
- ۳- درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۴- اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر
- ۵- فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

رویدادهای مختلف جهان حاکی از آنست که بحران عمومی سرمایه‌داری حدت می‌یابد. تضادهای درونی اردوگاه امپریالیستی در گسترده‌های مختلف اقتصاد و سیاسی تشدید می‌شود. دولت ریگان که نماینده ارتجاعی ترین گروه بندهای آمریکا است، تلاشی می‌کند تا طرح انسانه "خطر شوروی، متحدین خود را در ناتو با اراده خود سازد. ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیستی در کشورهای اروپا با سیاست‌های ریگان همراهی می‌کنند ولی با این حال تضادهای عمیقی دنیای سرمایه‌داری را از هم جدا می‌کنند و بحرانهای عمومی و ساختاری بر جوامع امپریالیستی سنگینی می‌کنند.

رفقا!

گزارش جامع هیات سیاسی کمیته مرکزی را به ترتیب زیر به اطلاع می‌رسانم.

- ۱- نگاهی به اوضاع جهان و منطقه
- ۲- انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی
- ۳- درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۴- اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر
- ۵- فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

دولت‌های اخیر نیز در بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در عرصه‌های گوناگون از جمله تجارت خارجی و مناسبات پولی تشدید شده است. کشمکش میان آمریکا و ژاپن که از جمله در نتیجه سرزیر شدن کالاهای ژاپن قیمت ژاپن به آمریکا است، حدت می‌یابد. از سال ۸۰ تا سال ۸۴، نرخ مبادله دلار نسبت به پول ۳۳ کشور طرف معامله آمریکا ۳۲٪ افزایش یافته است. افزایش سریع نرخ بهره بانکی در آمریکا به اختلاف جدی بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته منجر گردیده است.

به مرکز سرمایه‌داری برای مقابله با سوسیالیسم و جنبشهای رها فیکش تلاش می‌کنند که بر تضادهای خود علیه کشورهای سرمایه‌داری خاتمه دهد. دولت ریگان به قیمت تخریب و زردان جهان در لبره برتگاه جنگ و به قیمت و خاتمه زندگی زحمتکشان آمریکا و اروپای غربی و ژاپن و بر ضد کشورهای در حال رشد، می‌خواهد بحران اقتصادی آمریکا غلبه کند. لیکن این تلاشها نتوانسته است از تعمیق و گسترش بحران عمومی سیستم جهانی سرمایه‌داری و بحران ساختاری آن جلوگیری کند. در شرایطی از رفته‌ها و شاخه‌های اقتصادی بحران همچنان حاکم است، سبک‌بازی تشدید یافته و گسری بودجه افزایش می‌یابد.

رفقا!

بدترین نبرد بر سر مسئله جنگ و صلح در دنیای ما جاری است. سایه شوم جنگ بر زندگی مردم جهان سنگینی می‌کند. خطر تعلقه و رشدن جنگ هولناک هسته‌ای تشدید می‌شود. امروز جنگ هسته‌ای نابودی دستا وردهای تمدن بشری را نشان داده گرفته و حق انسانها برای زیستن در سیاره زمین را در مخاطره جدی قرار داده است. مسئله جنگ و صلح آنچنان جایگاهی در زندگی بشریت پیدا کرده است که بر تمام مسائل جامعه انسانی سایه انداخته است. پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی، پیروزی‌های تازه‌های نوین در کشورهای مستقل غلبه بر جبهه و بیسواد، و نفرو تنگدستی و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح امکان پذیر است.

دولت‌های اخیر نیز در بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در عرصه‌های گوناگون از جمله تجارت خارجی و مناسبات پولی تشدید شده است. کشمکش میان آمریکا و ژاپن که از جمله در نتیجه سرزیر شدن کالاهای ژاپن قیمت ژاپن به آمریکا است، حدت می‌یابد. از سال ۸۰ تا سال ۸۴، نرخ مبادله دلار نسبت به پول ۳۳ کشور طرف معامله آمریکا ۳۲٪ افزایش یافته است. افزایش سریع نرخ بهره بانکی در آمریکا به اختلاف جدی بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته منجر گردیده است.

به مرکز سرمایه‌داری برای مقابله با سوسیالیسم و جنبشهای رها فیکش تلاش می‌کنند که بر تضادهای خود علیه کشورهای سرمایه‌داری خاتمه دهد. دولت ریگان به قیمت تخریب و زردان جهان در لبره برتگاه جنگ و به قیمت و خاتمه زندگی زحمتکشان آمریکا و اروپای غربی و ژاپن و بر ضد کشورهای در حال رشد، می‌خواهد بحران اقتصادی آمریکا غلبه کند. لیکن این تلاشها نتوانسته است از تعمیق و گسترش بحران عمومی سیستم جهانی سرمایه‌داری و بحران ساختاری آن جلوگیری کند. در شرایطی از رفته‌ها و شاخه‌های اقتصادی بحران همچنان حاکم است، سبک‌بازی تشدید یافته و گسری بودجه افزایش می‌یابد.

رفقا!

بدترین نبرد بر سر مسئله جنگ و صلح در دنیای ما جاری است. سایه شوم جنگ بر زندگی مردم جهان سنگینی می‌کند. خطر تعلقه و رشدن جنگ هولناک هسته‌ای تشدید می‌شود. امروز جنگ هسته‌ای نابودی دستا وردهای تمدن بشری را نشان داده گرفته و حق انسانها برای زیستن در سیاره زمین را در مخاطره جدی قرار داده است. مسئله جنگ و صلح آنچنان جایگاهی در زندگی بشریت پیدا کرده است که بر تمام مسائل جامعه انسانی سایه انداخته است. پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی، پیروزی‌های تازه‌های نوین در کشورهای مستقل غلبه بر جبهه و بیسواد، و نفرو تنگدستی و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح امکان پذیر است.

در برخورد با حیاتی ترین مسئله جهان امروز دو سیاست کاملاً متضاد دیده می‌شود. کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی برای قطع مسابقه تسلیحاتی، استحکام مبانی صلح و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح تلاش می‌کنند. در حالی که ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیستی سرکردگی محافظان میلیتاریستی آمریکا برای کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی، به مسابقه تسلیحاتی و تشنج بین المللی ادامه می‌دهند و چنانچه در راه لبره برتگاه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهند و حق حاکمیت خلقها را بی‌امال می‌کنند.

بدترین نبرد بر سر مسئله جنگ و صلح در دنیای ما جاری است. سایه شوم جنگ بر زندگی مردم جهان سنگینی می‌کند. خطر تعلقه و رشدن جنگ هولناک هسته‌ای تشدید می‌شود. امروز جنگ هسته‌ای نابودی دستا وردهای تمدن بشری را نشان داده گرفته و حق انسانها برای زیستن در سیاره زمین را در مخاطره جدی قرار داده است. مسئله جنگ و صلح آنچنان جایگاهی در زندگی بشریت پیدا کرده است که بر تمام مسائل جامعه انسانی سایه انداخته است. پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی، پیروزی‌های تازه‌های نوین در کشورهای مستقل غلبه بر جبهه و بیسواد، و نفرو تنگدستی و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح امکان پذیر است.

در برخورد با حیاتی ترین مسئله جهان امروز دو سیاست کاملاً متضاد دیده می‌شود. کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی برای قطع مسابقه تسلیحاتی، استحکام مبانی صلح و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح تلاش می‌کنند. در حالی که ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیستی سرکردگی محافظان میلیتاریستی آمریکا برای کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی، به مسابقه تسلیحاتی و تشنج بین المللی ادامه می‌دهند و چنانچه در راه لبره برتگاه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهند و حق حاکمیت خلقها را بی‌امال می‌کنند.

رفقا!

بنابراین تصمیم می‌بمان تا مو، مویشکهای هسته‌ای میان بر دزدان و اقل سال ۱۹۸۴ بر خلاف اراده اکثریت مردم اروپا و علی‌رغم اعتراض جهانی در خاک جمهوری فدرال آلمان، انگلستان و ایالتلیا استقرار یابد. قصد امپریالیسم در استقرار این موشکی که می‌تواند از فاصله‌های دور و در ارتفاعات آراضی اتحاد شوروی نفوذ کند، وارد آوردن نخستین ضربه به کشورهای سوسیالیستی است. دولت ریگان برای کسب پیروزی‌های سیاسی در جنگ هسته‌ای بر نامه‌های وسیعی برای تکمیل تسلیحات آمریکا تسلیحاتی می‌بندد که در آنجا دو سیستم‌های تازه دفاع ضد موشکی مدرنیزه و تکمیل کردن تمام تسلیحات و در درجه اول تسلیحات استراتژیک پیش بینی شده است. بهمین منظور تهیه آژمانش و استقرار صدها موشک قاره پیما "ام ایکس" زیر دریایی قرار می‌گیرد. هزاران راکت بالندار و در پرواز، هواپیماهای استراتژیک و غیره در دستور قرار گرفته است. آمریکا کارزار مسلحانه تسلیحاتی را به فضای کیهانی نیز گسترانده و بر نامه‌های وسیعی برای تهیه موشکهای ضد هوا راه‌ای تدارک دیده است. بهمین منظور بودجه نظامی آمریکا ۱۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ به ۲۰۰ میلیارد دلار

بدترین نبرد بر سر مسئله جنگ و صلح در دنیای ما جاری است. سایه شوم جنگ بر زندگی مردم جهان سنگینی می‌کند. خطر تعلقه و رشدن جنگ هولناک هسته‌ای تشدید می‌شود. امروز جنگ هسته‌ای نابودی دستا وردهای تمدن بشری را نشان داده گرفته و حق انسانها برای زیستن در سیاره زمین را در مخاطره جدی قرار داده است. مسئله جنگ و صلح آنچنان جایگاهی در زندگی بشریت پیدا کرده است که بر تمام مسائل جامعه انسانی سایه انداخته است. پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی، پیروزی‌های تازه‌های نوین در کشورهای مستقل غلبه بر جبهه و بیسواد، و نفرو تنگدستی و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح امکان پذیر است.

در برخورد با حیاتی ترین مسئله جهان امروز دو سیاست کاملاً متضاد دیده می‌شود. کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی برای قطع مسابقه تسلیحاتی، استحکام مبانی صلح و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح تلاش می‌کنند. در حالی که ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیستی سرکردگی محافظان میلیتاریستی آمریکا برای کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی، به مسابقه تسلیحاتی و تشنج بین المللی ادامه می‌دهند و چنانچه در راه لبره برتگاه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهند و حق حاکمیت خلقها را بی‌امال می‌کنند.

بنابراین تصمیم می‌بمان تا مو، مویشکهای هسته‌ای میان بر دزدان و اقل سال ۱۹۸۴ بر خلاف اراده اکثریت مردم اروپا و علی‌رغم اعتراض جهانی در خاک جمهوری فدرال آلمان، انگلستان و ایالتلیا استقرار یابد. قصد امپریالیسم در استقرار این موشکی که می‌تواند از فاصله‌های دور و در ارتفاعات آراضی اتحاد شوروی نفوذ کند، وارد آوردن نخستین ضربه به کشورهای سوسیالیستی است. دولت ریگان برای کسب پیروزی‌های سیاسی در جنگ هسته‌ای بر نامه‌های وسیعی برای تکمیل تسلیحات آمریکا تسلیحاتی می‌بندد که در آنجا دو سیستم‌های تازه دفاع ضد موشکی مدرنیزه و تکمیل کردن تمام تسلیحات و در درجه اول تسلیحات استراتژیک پیش بینی شده است. بهمین منظور تهیه آژمانش و استقرار صدها موشک قاره پیما "ام ایکس" زیر دریایی قرار می‌گیرد. هزاران راکت بالندار و در پرواز، هواپیماهای استراتژیک و غیره در دستور قرار گرفته است. آمریکا کارزار مسلحانه تسلیحاتی را به فضای کیهانی نیز گسترانده و بر نامه‌های وسیعی برای تهیه موشکهای ضد هوا راه‌ای تدارک دیده است. بهمین منظور بودجه نظامی آمریکا ۱۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ به ۲۰۰ میلیارد دلار

راه زوال می‌پیمایند و در سوی دیگر جبهه نیروی صدها میلیونی قرار دارند که دارای نقطه اتکا مستحکم و پر قدرتی در سیمای کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی می‌باشد. امروز جنبش نیرومند ملیت‌گرای نیروی پرتوان سوسیالیسم طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته، جنبش‌های رها فیضی و مملکت رها یافته چون سدی استوار در مقابل تجاوزات و باج‌خواریهای امپریالیسم

سوسیالیسم جهانی به‌مثابه تکیه‌گاه عمده ملج جهانی کوشش‌های بی‌گیر موشری را برای پایان بخشیدن به مسابقه لحام گسیخته تسلیحاتی به پیش می‌برد. کشورهای سوسیالیستی با احساس مسئولیت عمیق برای تأمین صلح جهانی تاکنون پیشینه‌های متعدد و سازنده‌ای را ارائه داده‌اند. اتحاد شوروی در زمینه کاهش نیروهای بی‌مان تا تووروشو، ایجاد مناطق آزاد زصلاح‌هسته‌ای در اروپا و دیگر نقاط جهان، نابود ساختن سیستم‌های ضد ماهواره‌های موجود، عدم پیشدستی در کاربرد سلاح هسته‌ای، کاهش تسلیحات تا مرحله ناپذیری کامل آن و دهها پیشنهاد دیگر برای دفع بلیه جنگ هسته‌ای ارائه کرده است. اتحاد شوروی برای حصول به توافق و برابری در شان دادن انحطاط فیک سلسله تعهدات یکجانبه را پذیرفت. پیشنهادها و ابتکارات اتحاد شوروی وسیعاً مورد استقبال مجامع بین‌المللی قرار گرفت. ولی دولت ریگان همه پیشنهادها را بی‌ساخت گذاشته و همچنان در مدد کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی است. امروز اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از جنبان توازن اقتصادی، علمی و تکنیکی برخوردار هستند که به امپریالیسم اجازه ندهند توازن نظامی - استراتژیک موجود را سود خود بربورند.

اقدام ما چرا جوانه و جنگ افزوانه دولت ریگان در زمینه استقراریار موشکهای میان برد آمریکا در اروپا، در هرگونه پیشنهادها سازنده اتحاد شوروی در مورد این ساله حیاتی خشم توجه‌های بسیار وسیعی را در جهان برانگیخته است. در این باره صدها هزار مکتوب و نامه‌ها به استقراریار موشکها در اروپا اعلام می‌کنند. ۷۴٪ درصد مردم جمهوری فدرال آلمان ۷۵٪ هالی انگلستان و ۷۹٪ مردم بلژیک مخالف استقراری موشکهای آمریکا در اروپا هستند. دولت سوئد، یونان و یار لمان در ناما رک مخالفت خود را با سلاح‌های هسته‌ای و استقرار موشکهای آمریکا اعلام کرده‌اند. در خود آمریکا مخالفت در مقابل سیاستهای آمریکا افزایش می‌یابد. چهار رینجما می‌کند. ها از پیشنهاد دمتوقف کردن تولید و استقرار سلاح‌های هسته‌ای پشتیبانی می‌کنند. امروز جنبش ملحه تنها بلحاظ جغرافیائی گسترش می‌یابد، بلکه طیف‌های جدیدی از نیروی اجتماعی و سازماندهی بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد. شرکت کنندگان در هفتین کنفرانس جنس شرم تعهد که در سال ۱۹۸۳ در هلی بر گزار گردید، مثنی نظامی - سیاسی امپریالیسم جهانی را محکوم کردند. میان بسیاری از دولت‌ها و ممالک گسترده اجتماع می‌آیند که هر چه بیشتر قوت می‌گیرند مبارزه در راه امنیت منطقه‌ای جنوب خود را هم می‌پذیرند و مبارزه برای امنیت جهانی است.

جبهه جهانی ضد امپریالیسم و سوسیالیسم جهانی به‌کامیابها و بیرونی‌های بازم بیشتری دست می‌یابند. در کشورهای سوسیالیستی اقتصاد دبا رشد موزون و بدون بحران پیش می‌رود، سیستم سیاسی سوسیالیسم گسترش می‌یابد و دیگر ممالک سوسیالیستی تکامل پیدا می‌کنند. زندگی، رفاهتشان را از طریق پیشرفت‌های اقتصادی بهبود بیشتری می‌یابند. ازبیکاری و تورم فزاینده دیده نمی‌شود. هر سال درآمد مردم افزایش می‌یابد. در کشورهای عضو "شورای همپاری اقتصادی" که تقریباً ۱۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، هم اکنون ۲۳٪ محصولات صنعتی و ۲۰٪ محصولات کشاورزی جهان تولید می‌شود. در این کشورها درآمد ملی در مقابل تولید ۸۲ - ۱۹۵۰ / ۸۵ برابر، تولید صنعتی ۱۲ برابر و تجارت خارجی ۳۰ برابر افزایش پیدا کرده است. نرخ رشد تولیدات صنعتی در کشورهای "شورای همپاری اقتصادی" ۱۹۹۶ برابر بیشتر از کشورهای سرمایه داری پیشرفته است. در اتحاد شوروی تولید صنعتی از مرز ۲٪ تولید صنعتی جهان گذشته است. در برنامه جدید اتحاد شوروی تدابیر جدیدی برای افزایش تولید کالاها می‌مورد نیاز مردم گسترش داده شده است و با بهبود کیفیت آنها اتحاد گردیده است. در کشورهای سوسیالیستی شرایطی فراهم شده است که مردم به آینده زندگی خود با اطمینان می‌نگرند در این جوامع شرایط هر چه بیشتر برای رندهه جانیه شخصیت انسانی فراهم شده است.

در کشور های سرمایه داری پیشرفته مبارزه طبقاتی کارگران حدت بیشتری می‌یابد. از نایوبه تا اواسط ۱۹۸۴ تعداد شرکت کنندگان در اعتراضات و تظاهرات کارگری در این کشورها به رقم هشت میلیون نفر رسیده است. اعتصاب چندین ماهه معدنچیان در انگلستان و پشتیبانی "کنگسره اتحادیه‌های انگلستان" از آنان، و مقاومت حماسی کارگران در مقابل یورش پلیس، تا تیرات عمیق برجینش کارگری بریتانیا گذاشته است. مبارزه کارگران در جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، اسپانیا، بلژیک، ایتالیا و آمریکا علیه انحصارات علیه بنگاری فزاینده و سایر ظواهرهای سرمایه داری گسترش یافته است. جنبش اجتماعی کارگران، ابرادیکا لیز شدن خواستهای تشکل‌های کارگری، نشان می‌دهد که تقابل طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته با انحصارات تشدید می‌شود. در کشورهای تحت سلطه مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیسم گسترش می‌یابد. رژیم‌های دیکتاتوری و فاشیستی متزلزل می‌شوند و تکیه‌گاه‌های خود را از دست می‌دهند. در شیلی ارگان رژیم دیکتاتوری پینوشه سست شده و مردم وسیعاً در تظاهرات ضد رژیم شرکت می‌جویند. مردم السالوادور در مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده آمریکا موفقیت‌های جدیدی بدست آورده‌اند. در ژوآن تن بران اعتراضات توده‌ای رژیم "خونتا" برکنار شده و روند دمکراتیزه شدن سیاست سیاسی کشور پیش می‌رود. در بنگلادش، مردم وسیعاً در تظاهرات علیه حکومت نظامی شرکت می‌کنند و خواستار برکناری دیکتاتور نظامی و برگزاری انتخابات آزاد هستند. در فیلیپین، جنبش توده‌ای علیه حکومت دست‌نشانده مارکسوس روز بروز با بعدگسترده‌تری می‌یابد. در نامیبیا و در خود آفریقای جنوبی مبارزه مردم علیه دولت نژادپرست آفریقای جنوبی که تکیه‌گاه عمده نو استعمار در جنوب آفریقا است، با بعد جدید خود گرفته است.

در کشورهای رها یافته، مردم علیه توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم و برای پی ریزی جامعه نوین مبارزه می‌کنند. دولت جوان نیکاراگوئه علیه تحريم اقتصاد و تحریمات نظامی آمریکا مبارزه می‌کند. دولت آنگولاد در مقابل تجاوزات رژیم آفریقای جنوبی ایستاده است. ایوبوی اینک با تشکیل حزب کارگرایان ایوبوی با کامهای استوار ریسوی سوسیالیسم پیش می‌رود.

رفقا!

امپریالیسم آمریکا منطقه خاورمیانه را که بعد از جنگ جهانی دوم کوره ملتهب حوادث و بحرانها بوده، بعنوان جزئی از منافع حیاتی خود اعلام کرده است. آمریکا برای سرکوب جنبشهای رها فیضی و جهت تسلط خود بر "انبار نفت دنیا" یعنی خلیج فارس نیروی واکش سریع با بیش از ۲۰۰ هزار نفر تشکیل داده و قصد دارد آینده نزدیک، عده‌آنها را دوبرابر برساند. این نیرو

آماده است در صورت بروز تهدیدی به منافع آمریکا در خاورمیانه و از جمله در خلیج فارس مستقیماً مداخله نماید. بدنبال تشکیل این نیرو، آمریکا برای تلافی شکست‌های گذشته و تقویت اعتماد متزلزل حکام مرتجع به قدر قدرتی امپریالیسم آمریکا و برای منبوسا ختن راه انقلابی جدید "فرماندهی مرکزی (سنکوم) را بوجود آورد. مناطق تحت فرماندهی این مرکز ۱۹ کشور آسیای - افریقای و منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و قسمت وسیعی از آسیا نوس هند را شامل می‌شود. مقامات آمریکا ضمن توسعه پایگاه دیده‌کار رسیا تا سیاحت نظامی جدیدی در کشورهای عمان، سومالی و کنیا بوجود آورده‌اند. به مسوازات برجسته تر شدن نقش خاورمیانه در طرح‌های استراتژیک امپریالیسم آمریکا به کمک‌های نظامی و اقتصادی خود به دولت صهیونیستی اسرائیل جهت توسعه نقش ژاندارمی آن افزایش داده است. دولت ریگان، صهیونیست‌های اسرائیل و ارتجاع عرب تلاشهای خود را برای تضعیف و نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین به تسلیم و ادا کردن دولت سوریه و پیشبرد " طرح کمب دیوید" شدت بخشیده‌اند. ولی برای آمریکا سرسختانه مین پرستان لبنان و روزندگان فلسطینی وابستادگی را پایدار می‌دولت سوریه، آمریکا و متحدین آن مجبور شدند خاک لبنان را ترک کنند و قرارداد سنگین اسرائیل لبنان لغوی اعلام کردند و تلاشهای نیروهای مترقی لبنان و اعراب نر ضد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب و برای تشکیل دولت انقلابی به نتیجه برسد. خروج سربازان آمریکا و متحدین آن از لبنان و ابطال قرارداد لبنان - اسرائیل، یک پیروزی تاریخی برای مردم فلسطین و خاورمیانه و یک شکست مفتضحانه برای امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل بشمار می‌آید.

امپریالیسم آمریکا با دادن زدن به جنگ فرسایشی و خانمان بر انداز ایران و عراق به صورت نظامی خود در خلیج فارس و دریای عمان توسعه می‌بخشد و دستاویز قرار دادن امنیت گشتی رانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، ناوهای جنگی خود را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مستقر می‌سازد. وضع در خلیج فارس با دل‌تنگی و جنگ وخیم ترمی‌شود.

باید در میان وارتباط و انتجاع منطقه، به باندهای خرابکار جهت کشتار مردم بیگناه افغانستان پول و اسلحه می‌دهند. آمریکا کمک خود را در سال ۱۹۸۴ به ضد انقلابیون دوبرابر کرد. با این حال علیرغم دشواریهای عظیمی که زاشیده، سافین امپریالیسم، ارتجاع منطقه و ارتجاع داخلی است. انقلاب در افغانستان با موفقیت به پیش می‌رود. پایگاه خود را مستحکم می‌سازد و به دستاوردهای جدیدی تاثل می‌آید و با کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی سربلای زکشت را می‌پذیرد.

واشنگتن برای جبران خلا یا دنده بر اثر انقلاب ایران، در منطقه خلیج فارس، دولت‌های ارتجاعی ترکیه، پاکستان و عربستان را در مریضا تقویت کرده و وسیل اسلحه را به این کشورها سرازیر می‌کند. ترکیه هم اکنون به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل شده است. نزدیک به ۶۰ پایگاه در ترکیه توسط آمریکا ساخته شده‌گه و وسیعاً مورد استفاده نیروهای واکش سریع قرار می‌گیرد. پاکستان برای انجام وظایف ژاندارمی و سرکوب نیروهای مخالف، اعتبار ۲۲ میلیارد دلاری از آمریکا گرفته است. دولت ریگان عربستان سعودی را به زرادخانه خود تبدیل کرده و انواع سلاحهای مدرن در اختیار آن قرار می‌دهد.

رفقا!

ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم آمریکا در پیشانی محافل جنگ طلب امپریالیسم جهانی، تلاش می‌ورزید تا توسل به سوق دادن جهان به آستانه "جنگ هسته‌ای" از شتاب روز افزون دگرگونیهای بنیادی در جهان بگاهد. توازن نظامی استراتژیک موجود در اروپا و جهان را که مانع تحقق سلطه سیاسی و اقتصادی است، برهم زدن به بردری نظامی برای اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی تاثل آید. تا بدینوسله مواضعی را که جابرا نه در اختیار گرفته است حفظ کند مواضعی را که نظام منقطع سرمایه داری از دست داده است، دوباره جنگ آورد و بالاخره جزخ تاریخ را به عقب با زگردا ندوسا داتا میرالیسم را بر جهان تا مین کند. ولی دوران مسال دوران پیشرفتی و وقفه و نظرمون جبهه جهانی نیروهای مله است. انقلاب دموکراسی، سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی است. دوران ما، دوران تکنواشی روز افزون سوسیالیسم و ازسندرتن خلقهای تمدیده است. این سبل عظیمی که از انقلاب اکثریت سوبه حرکت در آمده، بخش چشمگیری از کاخ‌های هزاران ساله نظام مستکارانه طبقات استعمارگر را برانداخته است و اکنون با کامهای شتابنده، سوی پیروزی‌های بازم بیشتر به پیش می‌آید. امپریالیسم جهانی نسبت به خنده کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای آزادیبخش و جنبش مله راه به عقب موشکها زنجیر کند. ولی دژ مستحکم کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی موج توفنده توده‌ها، عزم و اراده آنان را دفاع از صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم به ماجراجویی‌های امپریالیسم لگام زده و میدان عمل آنها هر روز محدود و محدود تر میکند.

انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی

رفقا!

اکنون نزدیک به ۶ سال از پیروزی انقلاب ایران می‌گذرد. رویداد - هائی که در این مدت رخ داده است، میتوانند در ارزیابی صحت و سقم تحلیلهای و سیاستها کمک کنند. هم از اینرو ضروری است که با جمع بست تجارب سالهای اخیر و استیاد رویدادهای واقعی، آنچه را که در این دوره در مین ما رخ داده، دقیق تر تجزیه و تحلیل کنیم.

مردم ایران در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بزرگترین حماسه تاریخ معاصر ایران را آفریدند. توده‌های دهها میلیونی خلق عزم و اراده بولادین خود را برای سرنگونی رژیم مغفورشاه به کرسی نشانند. انقلاب ایران را کردها و متعلق به آنان بود. برای توصیف شناختن آنچه‌های انقلاب ایران قبل از همه باید دید مردم از انقلاب چه می‌خواستند؟ مردم می‌خواستند رژیم شاه تماماً " سرنگون شود و یک حکومت ملی و مردمی (دموکراتیک) و ملکی به اراده مردم بجای آن استقرار یابند. مردم می‌خواستند که سلطه و نفوذ امپریالیسم در کشور ما پایان یابند، آزادی سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی مردم تا مین گردد و کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی برانداخته شود و عدالت اجتماعی برقرار گردد.

سربازان دیگر شمار اساسی انقلاب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بود. منتها روحانیونی که در رأس جنبش توده‌ای قرار گرفته بودند، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را تبلیغ می‌کردند. اما واقعیت اینست که توده‌های وسیع مردم زحمتکش از " جمهوری اسلامی" همانگونه

که طراحان آن تحت عنوان عدالت اسلامی بیان میکردند. نظامی مبتنی بر "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" را درک و آرزو نمیکردند. بدین لحاظ درباره انقلاب بهمین باید گفت که این انقلاب از لحاظ سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیع ترین افشار خلق، اشکال مبارزه و خواستهای مبتنی بر عدالت اجتماعی یک انقلاب مردمی بوده است. رهبری انقلاب در دست بخشی از روحانیت شیعه که از آیت الله خمینی پیروی میکرد، قرار گرفت. این روحانیت که به لحاظ اجتماعی و تاریخی پیوندهای محکمی با بخشی از افشار و طبقات شرکت کننده در انقلاب داشت، با طرح و دفاع از شعارها و خواستههای عام مردم و به اتکای تشکیلات وسیع دستگاه روحانیت گسترده ترین نفوذ را در میان توده های خلق بدست آورد و در اس انقلاب فرار گرفت. ترکیب روحانی رهبری انقلاب و در این ارتباط تا نبره عامل مذهب در مبارزه استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خلق در انقلاب بهمین ۵۷ و آن ویژگی خاص می باشد.

انقلاب بهمین گره موفق شد وظایف سیاسی مبتنی بر سرنگونی کامل رژیم حاکم رایه پایان برساند و در زمینه اجتماعی بنابه حکم شورای انقلاب و با آرزو مستقیم مردم گامهایی هم در راستای براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری پیش برد، اما به علت عدم برخورداری از رهبری یکپارچه افشار، آن نائل نشد. انقلاب، سمت تکامل اقتصادی - اجتماعی ایران را تغییر نداد و در سالهای پس از انقلاب نیز ایران راه رشد سرمایه داری را طی کرده است.

انقلاب بهمین در راستای دستیابی به آماج های ضد سلطنتی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی خود همچنین موفق شد رژیم استبدادی و سلطنتی شاه و سلطه امپریالیسم رنکوشور را براندازد.

انقلاب موفق شد اختراعات سیاسی و نهادهای اعمال کننده آنرا درهم شکند و بسیاری از گردانندگان و عوامل جنایتکار رژیم شاه را به محاکمات رساند. انقلاب درهای زندانها را بروی فرزندان خلق گشود و آزادی فعالیت را برای طیف وسیع نیروهای شرکت کننده در انقلاب تا مین کرد.

با پیروزی انقلاب بیساز منتو لغو شد، پایگاههای حاسوسنی آمریکا برجیده شد و دها هزار مستشار نظامی آمریکا بی اخراج شدند، در سیاست خارجی کشور تغییرات فاحش پدید آمد و ایران به جنبش غیر سر مدها پیوست.

محافل حاکمه باتکیه روی اصطلاح "انقلاب اسلامی" به شدت تبلیغ میکنند که آماج انقلاب ایران فقط و فقط تحقق "اسلام" بوده است. البته واقعیت اینست که رهبری انقلاب عملاً در دست روحانیت پیرو خمینی که میخواست حاکمیت به انحصار روحانیون درآید و حکومت مذهبی مستقر شود، قرار گرفت. اما خواست و نیاز از اینها نمیتوانست جدا از مبارزه ملی و طبقاتی، که جامعه را تا آماج میسگافت، مطرح باشد. آنچه واقعاً و بطور واقعی در کشور گسترش یافت و به انقلاب بهمین و رویدادهای پس از آن منجر گردید، برخلاف آنچه که روحانیون حاکم توضیح میدهند، هیچ وجهی ناموضوع تضاد میان "اسلام و کفر" قابل توجیه و توضیح نیست. محرک و مضمون اصلی آنچه در انقلاب رخ داد، مبارزه طبقاتی و منافع طبقاتی بوده است. هر یک از شعارهای اسلام - سیاسی که قبل و پس از انقلاب از جانب هر یک از جریانهای روحانیت پیرو خمینی طرح و تبلیغ شده است، در آخرین تحلیل و در هر شرایط مشخص دارای جنبش معین طبقاتی بوده و در خدمت تا مین منافع یک بخش از افشار و طبقات جامعه در برابر بخش دیگر قرار داشته است. بالاخره شایان توجه است که تا کید روی این که "انقلاب ایران اسلامی است" در سالهای اخیر قبل از همه عملاً در خدمت عدول رهبران جمهوری اسلامی از تحقق خواستهای برحق و عادلانه مردم و سپهان کردن این خیانت، قرار گرفته است. بدین ترتیب دیده میشود که حتی همین واژه "انقلاب اسلامی" هم بعد از انقلاب و قبل از انقلاب، و هم در سر صعودی و هم در سر نزولی آن، عملاً خود یک حزب، مبارزه طبقاتی بوده و هست. اکنون در برابر این تلاشها ما وظیفه داریم برای مردم توضیح دهیم که کدام اهداف واقعی زیر پوشش این توجیه، در حال گسترش است.

انقلاب باید متذکر شد که محدود کردن خصلت انقلاب ایران در قالب یک "انقلاب ضد سلطنتی" چنانکه دیدیم، نه تنها تمام آماجها و خواستههای انقلاب را بیان نمیکند، بلکه برخی تحولات واقعا تحقق یافته را هم گنجان و بیاسی بها میکنند. انکار سایر خصلت انقلاب ایران نمیتواند هم با انگیزه های چپ روانه و هم با انگیزه های راست روانه همرا باشد. این انکار، هم میتواند برای اساسی مورد استفاده قرار گیرد که هدف و تلاش عظیم خلق در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را انکار کند و هم میتواند برای اساسی باشد که وجود هر نوع گرایش ضد امپریالیستی و دموکراتیک در نیروهای رهبری کننده انقلاب را منکر شود. شناخت و تحلیل صحیح خصلت انقلاب و تدوین خط مشی صحیح در انقلاب گاملا ارتباط متقابل باهم دارند.

مرتجعین حاکم مدتهاست تلاش میکنند نقش برجسته و انکارناپذیر سازمان ها و احزاب انقلابی را در گسترش انقلاب و در قیام توده های ملحاحانه ۲۱ و بهمین پنهان سازند. آنها اینطور وانمود میکنند که در جریان انقلاب، در یک طرف روحانیت و "امت حزب الله" قرار داشت و در طرف دیگر شاه، علاوه آنها اکنون بیش از هر زمانی میگویند مقام و نقش شایخ توده کارگران، سوبزه فنگران قهرمان، در انقلاب و تاثیر قطعی و تعیین کننده آنان در سرنگونی شاه راه خود و به "تجار محترم" نسبت دهند. هدف و انگیزه اصلی آنان از این تحریفات پنهان کردن خیانت خود به انقلاب و نیز ترس از بیانشان از طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش و سازمانهای مدافع آنان است. اما واقعیت اینست که در انقلاب بهمین ضربه قطعی بر یک رژیم شاه را نیروی طبقه کارگر وارد آورد.

ما در اینجا همچنین روی نقش موثر سازمانها و احزاب انقلابی کشور در مسیح توده ها و جلب آنان به گسترش مبارزه علیه رژیم شاه، که مستقل از روحانیون پیرو خمینی عمل نمیکردند، موکداً تا کید میکنیم. سازمانها، که آن روزها هنوز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نامیده میشد، سوبزه در میان همه سازمانهای انقلابی، سرخست ترین نقش را در زدن تندید مبارزه در راه سرنگونی قطعی شاه و تمام سلطنت ایفا کرد. حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر گروههای انقلابی نیز مستقل از خمینی و پیروانش برای جلب هر چه وسیعتر توده ها به سوی انقلاب و تقویت نیروی توده ای و عمق معنوی آن جدا کشر تلاش خود را یکبار گرفتند. تاریخ نقش حساس و بسیار موثر ما را در فرآوردن یکسری خلق به قیام و از راه زحمودها و اتخاذ تاکتیکهای موفق و دقیق، سوبزه عمل قهرمانانه سازمان در مسیح روز ۲۱ بهمین ماه که تظاهرات متشکل و نیرومند خود را به سوی یادگاریهای رژیم همدی کرد، مرکز از یاد نخواهد برد. نقشی که از یک سوما به افشار و دسیاچگی رهبری انقلاب شدوار سوی

دیگر به گسترش قیام ملحاحانه توده های کمک کرد. قیامی که به علت تسخیر یادگاریها و نهادهای قدرت حاکمه توسط خلق آرشیشی و نقش مردم را در سر رویدادها و درست راهی اراده رهبری افزایش داد. آری که طبعاً آن صورت مطلوب رهبری نبود. آنچه در روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمین رخ داد، تاثیر قطعی در سر رویدادهای بعدی داشته است. ما به این نقش تاریخی خود در قیام شکوهمند بهمین عمیقاً افتخار میکنیم.

انقلاب بهمین از این نظر یک انقلاب واقعی بوده است که بر اثر آن قدرت سیاسی از کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران وابسته به امپریالیسم سلطنتی و به افشار و طبقات دیگر انتقال یافت. بزبان دیگر انقلاب سیاسی که مهمترین وظیفه آن انتقال قدرت سیاسی از یک طبقه به طبقه های طبقات دیگر است، در ایران بطور کامل انجام گرفته است. در اثر این تحول رژیم شاه، سرنگون شد و جمهوری اسلامی ایران جایگزین آن گردید.

رژیم شاه بطور کلی نماینده کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ و وابسته سوبیش از همه از منافع لایه قوای آن که در آن گرایش انحصاری در حال رشد بود، دفاع میکرد. دربار شاه خود در اس این لایه قرار داشت در آستانه انقلاب سمت گیری روحانیت پیرو خمینی، که به لحاظ وابستگی های طبقاتی طیف وسیعی را در بر می گرفت، بطور عمده منافع سوزواری ملی، خرده سوزواری و لایه های آرزوگشا شهر و روستا را منعکس میکرد. با واژگونی رژیم شاه جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت لیبرالهای طرفدار بازارگان و جریانهای مشابه تشکیل گردید. بخشهای دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی مشارکت کردند.

در شناخت و تحلیل ماهیت و ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از انقلاب تا امروز در درجه اول باید گرایشات و مسمت گریه های روحانیت حاکم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. رایج ترین و پرمشهورترین خصمه این نیرو البته روحانی بودن، تکیه روی آئینهای کهن اسلامی و مذهبی کردن، ساخت دولتی و تمامیت اجتماعی و تلاش برای تا مین منافع روحانیت بطور کلی است. در این زمینه باید تا کید کرد که هیچ یک از طبقات و افشار جامعه بجز خود روحانیت به متابه بنگ قشر اجتماعی، با این تمایل و تلاش روحانیت حاکم توافق کامل ندارند، اما واقعیات سالهای اخیر نشان داده است که در آخرین تحلیل حاکمیت جمهوری اسلامی دارای ترکیب و ماهیت طبقاتی معین بوده است. به با تا کید کرد که ترکیب روحانی نیروی سلط بر حکومت به آن ویژگی خاص بخشیده و در خصلت طبقاتی آن بیچیدگی های معین ایجاد کرده است.

روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی، با خرده سوزواری سنتی سوزواری تجاری بازار و ملاکان بطور کلی محکم ترین پیوندها را داشته است. علاوه بر این در سالهای قبل از انقلاب وجود تضاد میان خرده سوزواری سنتی و سوزواری تجاری - کرافرمایی بازار که مورد بورس سرمایه کلان وابسته قرار داشتند و هم چنین فکودالهایی که زمین های خود را از دست میدادند، با رژیم شاه از یک سو و سیاست رژیم شاه در زمینه محدود کردن و اثر کردن دستگاه روحانیت شیعه از سوی دیگر، همیوندی روحانیت حاکم با افشار و طبقات یاد شده را مستحکم میکرد. بررسی منحصراً موانع ایدئولوژیک - سیاسی، خاستگاه طبقاتی، منابع تا مین درآمد و محیط های فعالیت روحانیون حاکم نیز موید همین پیوندهاست.

افتخار خرده سوزواری سنتی ایران نیز نیروی اجتماعی بسیار وسیعی را در بر میگیرد. ویژگی مشترک این افشار آنست که بر تولید ساده خرده کالایی که در آن تکنیک عقب مانده و ابتدائی بکار میرود، متکی هستند و کمب و کار و نقش آنان در اقتصاد کشور بر اثر رشد سوزواری وابسته و سبزه امپریالیسم برای اقتصاد کشور در معرض تحدید و خطر نابودی قرار گرفته و افلاس و خانه خرابی و از دست دادن امکانات رشد، واقعی ترین چشم اندازی است که فراروی خود می بینند. کسبه و بیته و روان، صاحبان کارگاههای تولیدی، خرده مالکان و صاحبان واحدهای تولیدی مشابه در روستاها، مهمترین گروههایی هستند که ما آنان را زیر عنوان افشار خرده سوزواری سنتی ایران معرفی میکنیم. اطلاق عنوان "سنتی" به این افشار از این نظر نیز مناسب است که بر قدمت منشا تاریخی این افشار اجتماعی، بر خصوصیات فرهنگی، سوبزه مذهبی ناشی از آن هم اشاره دارد. منافع افشار خرده سوزواری سنتی ایجاب میکنند که سلط امپریالیسم بر حیات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور درم شکسته شود و کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری وابسته برانداخته شود. با بسن اعتبار این افشار دارای خصلت ضد امپریالیستی و مردمی هستند.

افتخار خرده سوزواری سنتی ایران وسعت و کمیت و نیروی اجتماعی قابل ملاحظه ای دارند و سبنا به یک نیروی مای در سراسر کشور درست دهسی رویدادها تاثیر قابل ملاحظه ای بر جای میگذارند.

رشد سوزواری تجاری بازار نیز که در طول تاریخ معاصر ایران همواره با روحانیت و مذهب پیوندهای تنگ تنگ داشته است، همواره بوسیله انحصارات امپریالیستی و سرمایه های وابسته به آن سد شده است و سرمایه آن بطور عمده در برمه تجارت واحدی هم ملکداری و اراضی شهری و مستغلات و صنایع تبدیلی و تولید کارگاهی بکار افتاده است. این سوزواری از دید باز در اس سیستم سنتی توزیع داخلی کالا قرار داشته است و عرصه عمده فعالیت آن روی واسطه گیری میان مراکز تولید داخلی و بازار داخلی و همچنین واسطه گیری میان شرکتیهای بزرگ و اردکننده کالا و فروشندهگان آن در داخل کشور متمرکز بوده است. ممر درآمد سوزواری بزرگ بازاری ایران بطور عمده همواره از طریق سود عمده فروشی کالا، بورس روی کالا، زمین و مستغلات تا مین میشد است. این سوزواری علیرغم مقابله با رژیم شاه، با سیاست تیرومند محافظه کارانه، وابس گریانه - ارتجاعی است و در پیرو سببه پیش رفت انقلاب ملی دموکراتیک ایران، با انجام وظایف مربوط به تحولات عمیق اجتماعی مخالف میگرد و رودرویی آن میایستد.

سهرحال برنامه و اهداف روحانیت حاکم را نباید لزوماً از دو جهت مورد بررسی قرار داد. روحانیت حاکم به رهبری خمینی از یک سوترویی است که به گونه ای کماتین یک پارچه، در جهت تکیه کردن با ساختار دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی کشور، در جهت تقویت هر چه بیشتر نقش دستگاه روحانیت در اداره کشور و تا مین منافع آن، حرکت کرده است. روحانیت حاکم در این زمینه روی برافشته و جدت داشته است.

از سوی دیگر روحانیت بطور کلی از دید باز با قشار و طبقات معینی در جامعه که دارای منافع متضادند، پیوندهای محکمی داشته و دقیقاً تحت تاثیر این تضادها همواره حامل گرایشات طبقاتی متضاد بوده است. روحانیت حاکم هیچگاه روی برنامه سیاست واحدی برای حل مهمترین مسایل حیاتی کشور، و در اس همه دربار ساختار اقتصادی

آنان را بسوی درگیریهای قهرآمیز و نابودی نگذارد. در یک جنگ بی‌فرجام سوق دهند و علیرغم هتداهای و تلاش‌های مسئولان ما، درگیری‌های خونینی میان نیروهای ضد امپریالیستی کشورگسترش یافت و ضربه جبران ناپذیری به انقلاب وارد ساخت. سرکوب آزادی سیاسی و پرورش به دست آوردهای انقلاب در این عرصه بسیار است. سوسیالیست‌ها که تبدیل شد. تمام مطبوعات غیرحکومتی را تعطیل کردند. امکان فعالیت انقلابی قانونی و علنی را از میان بردند و هزاران مبارز را که جز تحقق آماج‌های انقلابی آرزوی دیگری نداشتند، تحت پیگرد قرار داده، زندان افکنده و به شهادت رسانیدند.

اکنون عالیترین نهادهای قدرت در حاکمیت جمهوری اسلامی رسا و علنا مناسبات را برباعیتی را "مشروع" و هرقانون اصلاحات ارضی و لغویزرگ مالکی را "غیرمشروع" اعلام می‌کنند. دفاع از مشروعیّت "بزرگ مالکی و موجودیت و منافع بزرگ مالکان و بورژوا مالکان یکی از مشخصه‌های سیاست رژیم حاکم بر کشور است تولیدکنندگان خرد، اصناف و پیشه‌وران، بهره‌داران و دهقانان نیز همواره بیوندهای وسیعی با روحا نیت داشته‌اند. بخصوص توده طلاب و روحانیون جزء اکثر آرزهمین اقشار برخاسته از تملیقات آنان تا تیریدیرفته‌اند. اما این نیروها در رهبری حکومت جایی ندارند و منافع آنها را در روطیقات یا داشته‌ها را شده و یا لگدمال می‌شود. نیروهای که تمامایات و منافع آنها را در روطیقات یا داشته‌ها را منعکس می‌کنند نیز هنوز در رده‌های مختلف دستگاه حاکم، بویژه در رده‌های پایین آن مواضعی را در اختیار دارند. این نیروها که هنوز به آرزوی استقلال طلبانه و عدالت‌جویانه خود وفا دارند، همچنان امیدوارند که جمهوری اسلامی از این با شدویا بشود. در حال حاضر مواضع و موقعیت این نیروها در حکومت محدود و محدودتر می‌شود. با این حال نظریه حدت مبارزه طبقات در کشور و تأثیر این مبارزه در دستگاه حاکم حضور این نیروها در حکومت هنوز در بررسی موارد در راه پیشرفت سیاست حاکم مواضعی بیدید می‌آورد و در واقع سیاسی کشور تا نبرات معین بر جای می‌گذارد. ما با این سرمایه‌های متوسط بطور کلی نیز با دستگاه روحانیت بیوندهای معین دارند و تمامایات و منافع آنان نیز از حیثات معین در لایه‌های مختلف دستگاه روحانیت و حکومت جمهوری اسلامی منعکس می‌شود.

بر این اساس و در آخرین تحلیل حاکمیت جمهوری اسلامی افسران مدافع منافع منافع بورژوازی و مالکان بزرگ بطور کلی است و پیش از همه از منافع کلان تاجران حمایت می‌کند. جهت اصلی اعمال فشار از لایه حکومت جمهوری اسلامی ایران تقویت بازمه بیشتر مواضع ارتجاعی در حکومت است. وجود و حضور نیروهای دارا، تعلقات طبقاتی مختلف در دستگاه حکومتی و در پیرامون آن همچنان منشاء تفاهد و دسته‌بندی‌های مختلف میان مسئولین حکومت است. منتها در حال حاضر، بر عکس سال‌های پیش، این دسته‌بندی‌ها به یکدیگر سرخفت یا لگویزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری نیست. آنها همه هرگز حفظ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی با یکدیگر توافق کرده‌اند. آنها بر نامه‌وسیاستی بورژوازی را پذیرفته‌اند که ارکان اصلی آن عبارت است از بسبودن راه سرمایه‌داری، حفظ وابستگی اقتصاد کشور به سیستم جهانی امپریالیستی و سرکوب آزادی و آزادی‌های انقلابی و دمکراتیک و هر نوع اعتراض حق طلبانه توده‌ای. هم اختلاف آنها بیشتر حول سهم بورژوازی تجاری در تقایم با سایر لایه‌های بورژوازی در غارت و بیسپاول شروت ملی و دستخیز محرومان، حول میزان نقش و سهم بخش دولتی از اقتصاد کشور و حدود اختیار و مداخلات تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های حکومتی در ساخت قدرت سیاسی و اداره امور کشور در می‌زند.

درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حادی منهن ما را فرا گرفته است. ارتجاع حاکم بنا به ماهیت خود نه تنها قادر نیست بر این غلبه کند، بلکه سطره آن خود به عامل اصلی تشدید بحران و تشدید در درون خود می‌شود. در صورتی که تغییر شده است. حاکم ارتجاعی جمهوری اسلامی که زمانی میلیونها قلب طینده و مشت‌گره خود را به خود داده‌ای خلق را می‌خورد، تشدید، امروز نه تنها خود را از این قدرت عظیم مادی و معنوی محروم کرده‌اند، بلکه هرگز نمی‌گذرد، با قلب‌های بریکه‌ها و مشت‌های گره‌کرده بیشتری از همان مردم مواجه می‌شوند. آنها به تعصیب که در بریکه‌ها خلق سیرده بودند، بشمارنده و در تیران بر کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را زانو زده‌اند. برون رفت از بحران و تحقق شعار اساسی انقلاب سبمن، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و بسپردن زمام امور کشور به نیروهای ملی و دمکراتیک است.

بزرگ‌سپید به مقصود چه ناید کرد؟ آیا بدقیل از همه نیروی کافی تدارک دیدن ناید نیروی مردم را سازمان داد، متحد ساخت و بسیج کرد. انشای هر چه وسیع‌تر سیاست‌ها و اقدامات فددمکراتیک و دمردمی رژیم و بهره‌واقعی عالمان برای توده‌های خلق و رهبری فعال مبارزه توده‌ها، از وظیفه‌های اساسی است که انجام آن می‌تواند خلق را در راستای این هدف بسیج کند. هم‌اکنون فعالین سابقان ما در سر کشور در راه انجام این وظیفه خطیر می‌روند. مهیات سیاسی از همان راه که در این زمینه بر عهد سازمان ما است، به دلیل اهمیت آن بطور مشروح در بخش دیگری از گزارش خود به بلنوم کمیته مرکزی، که به تشریح اوضاع کشور و وظایف ما اختصاص یافته، مورد بحث قرار داده است.

مردم را تیر و هم چنین منوط است که گردآوری هر چه بیشتر نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی و دمکراتیک کشور، بسط و گسترش مناسبات انقلابی، و بالاتر از همه، اتحاد آنان در یک جنبه واحد، سرنوش خلق انقلاب شکوهمند سبمن بساید به ما مایا موزد که تفرقه و خصومت میان نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی کشور مهلتک ترین دشمن درونی خلق است. خلق ما از پشت این تریبون، از همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک، و ضد امپریالیستی کشور دعوت می‌کنیم که برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و انتقال قدرت به یک دولت انقلابی ملی و دمکراتیک در یک جنبه واحد متحد شوند. ما بر نامه خود برای جنبه متحذلق را می‌رانه داده و در عین حال آمادگی خود را هم برای مذاکره با سایر نیروها به منظور دستیابی به بر نامه مشترکی که مورد توافق همه قرار گیرد اعلام می‌کنیم.

بر نامه ما برای جنبه متحذلق منافع مشترک تمام اقشار و طبقات دمکراتیک و ملی منهن ما را از این منهن می‌کنند و هیچگونه مفایرتی با منافع هیچک از آنان ندارد. حال اگر رفقا طرح بر نامه می‌پیشنهادی که هیات سیاسی کمیته مرکزی برای جنبه متحذ خلق را که اکنون به بلنوم عرضه شده است، مورد تصویب قرار دهند، آنگاه این بر نامه از سوی سازمان انتشار خواهد یافت و در اختیار همه نیروها قرار خواهد گرفت.

با در بگرا بدتا کید کنیم که اکنون نیروهای که دستگیری حاکمیت فعلی را علیه منافع خلق و انقلاب و آزادی خود می‌نمایند سبمنی همه کسانی که برای رسیدن به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند می‌توانند با بدید بر نامه به بهترین و اساسی ترین مساله کشور یعنی ضرورت انتقال قدرت به نیروهای مترقی به توافق نظر برسند. اختلاف در سایر مسائل، هر چه قدر هم که مهم باشد، اگر وسیله بر آکنده کردن و بر آکنده شدن نیروهای ترقی خواه کشور گردد، عملا بسود بقای حاکمیت ارتجاع تمام خواهد شد. نظروا متقا در این است که همه نیروهای ترقی خواه، با بدید طریق مذاکره برای توافق روی یک بر نامه واحد و یکوشنده علاوه تا کید می‌کنیم که تا زمانی که این توافق روی یک بر نامه واحد بشکافد، ما می‌توانیم با سازمان‌ها و احزاب متشور در زمینه‌های مشخصی که مورد توافق و عمل طرفین است بسط و گسترش یابد. اختلاف بر سر هیچ مساله‌ای نباید باعث امتناع از همکاری نیروهای ترقی خواه کشور گردد.

اکنون در جنبش ما احتیاجی زیادی در باره شکل انتقال قدرت و زمان آن وجود ناید که رهبری جنبه خلق در دست کدام نیرو قرار خواهد گرفت و دیگر مسائل از

بدین ترتیب برکناری بی‌مدرع‌لانتوانست به تقویت مواضع نیروهای ضد امپریالیست و به تضعیف مواضع بورژوازی در حکومت بساید، زیرا با این موازات آن بر زمین نه شد و تقویت سرمایه‌های بزرگ تجاری، در نتیجه تأثیرات مخرب جنگ در منحرف کردن سررویدادهای زبان انقلاب و در اثر تشدید تفرقه و خصومت در میان نیروهای ضد امپریالیستی کشور و حذف بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان و تضعیف مواضع ترقی خواهانه در میان بخشی دیگر تناسب نیرو به زبان آنان تغییر یافته و به از میان رفتن برتری نیروهای مدافع انقلاب در حکومت و بسط به استیلا بر ارتجاع استبداد مذهبی منجر گردید. با این حال نیروهای ارتجاعی در حکومت در این مقطع نتوانستند به تمام اهداف خود دست یابند. جدال بر سر اطلاعات اجتماعی - اقتصادی، که برای آنها از مدتی قبل متوقف مانده بود در میان جناح‌های حاکمیت حدت تا زهای یافت و فشار نیروهای ارتجاعی برای تغییر سیاست گیری ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی تشدید گردید. در این دوره گرچه هنوز یک جریان نیرومند در حکومت به انجام اطلاعات اقتصادی امیدوار است و فشار تصویب‌دهی طبیعی نیز با امکان می‌دهد که از انجام اصلاحات دفاع کند، اما نظریه تناسب منفی نیروهای این مبارزه پیش نمی‌رود و با رورنمی‌گردد. در این مدت نه تنها عملا هیچ یک از اصول مترقی بخش انقلابی قانون اساسی به مرحله اجرا نرسیدند، بلکه روز به روز فشار نیروهای ارتجاعی درون حکومت برای تسخیر تمام مواضع قدرت و بس گرفتن دست‌آوردهای انقلاب تشدید می‌گردد.

با این اورتید در روز افزون امپریالیسم و با ادامه و تشدید بحران ناشی از ادامه بی‌معنا و فاجعه‌آمیز جنگ پس از فتح خرمشهر، که سنگین ترین ضرات را بر پیگیر نیروهای انقلاب ایران وارد می‌کرد، بر اثر شرایط و تشدید تعرض و تشدید بورژوازی بزرگ، بویژه تیران بزرگ بازار که غارت پنجاه تیران نیرومند مسکندر، سرانجام در نیمه دوم سال ۶۱ آیت الله خمینی نیروهای راستگرا و محافظه کار و مرتد در حکومت را رسا مورد حمایت قرار داد، و به مقابله آشکار با مدافعان اصلاحات اجتماعی - اقتصادی - اقتصاد - افساد در حکومت روی آورد و با عقب نشینی و سازش آن عده از مسئولان طرا زاول جمهوری اسلامی که از اهداف انقلاب دفاع می‌کردند و سطره ارتجاع بر کشور تعرض همه جا به دست آورده‌ای انقلاب گسترش یافت.

با این ترتیب حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نه تنها آماج و آرزوی سترک خلق در انقلاب در زمینه تأمین عدالت اجتماعی و حتی نص صریح قانون اساسی خود را به زیر پا افکند، بلکه با صدور آنچه که به فرمان امام‌ای معروف است: "سوی خمینی و فرمان‌های مشابه و فراخواندن کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به رودرویی آشکار با توده‌های قیام کیننده و لگدمال کردن دست‌آوردهای آنان در مبارزه علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی برخاست.

همه می‌دانیم که سازمان ما و حزب توده ایران در همه جا، در سالهای اخیر به عنوان پیگیرترین دشمنان امپریالیسم و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، به عنوان پیگیرترین مدافعان اصلاحات بنیادین اجتماعی - اقتصادی، از جمله اصلاحات مندرج در قانون اساسی شهرت خاصی کسب کرده‌اند. هنگام ما را بعنوان سرخست ترین مبارزان علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا شناخته‌اند. بیکدیگر می‌ماند در افشای امپریالیسم و سرمایه‌داری و تیریدیرفته و آشنی تا پذیر علیه ارتجاع در سطح ملی و بین المللی دیگر جانی باقی نگذاشته بود که نیروهای طرفدار ارتجاع سترکی بی‌مندی و سرمایه‌داری و بازگشت به ما مان امپریالیسم، در هجوم ما به عنوان سرخست ترین دشمنان خود تیریدیرگشتند. همه دیدیم که چگونه هنوز مرگ فرا می‌سود "ما خمینی" طلب به مسئولین کشور و نمایندگان مجلس در آرزوی ۶۱ خشک شده بود که بوم و دشمنانه به حزب توده ایران آغاز گشت و اوای کره تبلیغات و اقدامات کین توزان خود شوروی و اوضاع کشور را تحت تأثیر خود گرفت سرکوب خویشین و با جوار نردانه حزب توده ایران، با رزرتن مظهر تغییر سیاست و دستگیری حکومت جمهوری اسلامی را نه نمایش گذاشت، این بوش عملا به نقطه عطف تاریخی در سیاست و سیاست گیری امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا نسبت به روحانیت حاکم بر حکومت تبدیل شد. بوش به ما چنانکه پیش بینی می‌شد، بپوش به تمام دستاورد های انقلاب درجه سه نرسد عدالت بزوها و استقلال طلب خلق بود تصمیمات کفرانین و بیلسا مزبورک و سپس لندن، و سر از بریدن سبل نما بندگی، انحصارات امپریالیستی و هجوم کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به ایران، همه نشان جلب اطمینان آنها، نسبت به راهی است که روحانیت حاکم پذیرفته است.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز بگدست نیست و جریانهای وابسته به بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک، بزرگ مالکان خرد بورژوازی در آن حضور دارند که در این میان نمایندگان بورژوازی بزرگ تجاری و تقوی و وزن عمده را دارند.

بورژوازی تجاری بازاری ایران کرچه در سالهای قبل از انقلاب در مجموع در موضع مخالف سیاست‌ها و مورد تعرض بورژوازی کلان وابسته قرار داشته اما پس از سقوط رژیم شاه به این تفریق در عمل خاتمه داده شد و سرپوش سنگینی که به مواضع بورژوازی بازاری را بر سرش افکند و گرفتار بود، در هم شکست خورد و بسود و تا به تیریدیرقی این بورژوازی در سرروایت نبرهان وابسته به سایر لایه‌های بورژوازی در موقعیت ممتاز و زو زوهای قرار داد و با بهره‌مندی از این عوامل توانست طی سال‌های انقلاب با غارت و بیسپاول گام کسخته شروت ملی و حاصل کار زحمتکاران سرمایه‌داران بساید رود. این بیسپاول تا آنجا کلان بوده است که حتی برخی عناصر حکومتی نیز بگرات مجبور به تأکیدان شده‌اند.

در یک نگاه کلی باید گفت که تقریبا "مجموعه این بورژوازی از لحاظ گسترش دانه کسب و کار و زمینان سرمایه در سالهای پس از انقلاب نسبت به ما بسپر لایه‌های بورژوازی آرزنده مراعات بیشتری برخوردار بوده، تا جاییکه بخشی از آن را دیگر امروز می‌توان همان بورژوازی بازاری با ویژگیهای قبل از انقلاب حساب آورد. کسب و کار این بخش، امروز دیگر فقط در رابطه با تولید و سازا ر بسود و داخلی قرار ندارد و عملا در عرصه‌های از قلمرو بورژوازی وابسته ایران، به ویژه در عرصه واردات کالا، جنبه منافع مونتاژ نسبی فعال شده و می‌کوشد مواضع خود را در این عرصه‌ها گسترش دهد. به گونه‌ای که دیگر به سختی می‌توان خواست آن و منافع این بخش از سرمایه‌داران از بازا برخاسته را از خواست‌ها و منافع آن بخش از بورژوازی وابسته که با سقوط رژیم شاه مواضع خود را در اقتصاد کشور از دست نداد تفکیک کرد.

این دست‌چربان دارد. اما راست این است که هنوز زمان ورود گسترش رویدادها باقی است. این سوال ها و وظایف ناشی از آن را روشن نکرده است؛ پاسخ این سوال ها را مبارزه و عمل نیروهای ترقی خواه و رویدادها و رویدادها می‌کند که در آینده گسترش خواهد داد. در حال حاضر متناهی با ضرورت ها و نیازهای کنونی جنبش انقلابی کشور ما فقط مسایل اساسی زیربنا و مورد بحث و توافق نیروهای ترقی خواه کشور قرار گیرد:

۱- اشتراک مساعی و اتحاد عمل نیروهای ترقی خواه کشور هر چه گسترده تر شود و اتحاد آن در یک جبهه واحد متعین گردد. متوافق بر سر این مسایل و راه دست یابی به آنها و اجرای جنبش انقلابی کشور ما، راه پیروزی و هجوم نیروهای مسلح رژیم، با شعار دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان، علیه رژیم حاکم بر کشور و سوسیالیسم، خواست ملی خلق کرد و در جهت خواست تمام خلقهای ایران مبارزه می‌کنند.

۲- سازمان ما همواره از مبارزه برحق و عادلانه خلق کرد در راه تا بین خودمختاری دفاع کرده است. در شرایطی که ارتجاع حاکم علیه آماج های انقلاب برخاسته و همه سازمان های مترقی کشور را آماج سرکوب خود ساخته است، در شرایطی که رژیم حاکم، مردم کردستان را آماج حمله قرار داده است، گسترش مناسب است و همکاران ما میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دموکرات کردستان و همکاران آماج های مشترک نه تنها ضروری بلکه وظیفه ای مبرم است.

۳- در اینجا همچنین لازم است درباره نیروهای که در حکومت هنوز آماج های انقلاب دفاع می‌کنند ما آنان را مسلمانان مبارزانه می‌دانیم، نام بریم و سیاست سازمان را نسبت به آنان توضیح دهیم، نیروهایی که از یک طرف به ما می‌پیوندند و جمهوری اسلامی از آن ها با شدو یا بشودوا زسوی دیگر را گسترش حمایت آشکارا خصمی از نیروهای راستگرا و مترجع و هواداران فارتگری کلان تاج مسلمانان و بزرگ مالکان بیمانگند.

۴- آنچه قبل از همه در این رابطه باید گفت آنست که «آنها قیلا» ما همسایران را بیانگرمال و آرزوهای خود ساخته بودند، اما امروز پس از خیانت آشکارا رهروانی که برگزیده بودند، عملاً سرگردان و پراکنده مانده و فاقد رهبری خاصی خود هستند. خصمی علیه شکل آنان است. این پراکندگی و فقدان رهبری تا امروز عملاً موقعیت آنان لظنه زده و مورد بهره برداری شجاع حاکم قرار گرفته است.

۵- نظر ما این است که این نیروها اگر خواهند در جنبش استقلال طلبانه، آزادیخواهان و عدالت جویان خلق ما جای خود را داشته باشند، لزوماً باید متشکل شوند و به مردم ما دست یابند که نه تنها مسئولیت وضع موجود کشور بر عهده آنهاست و نه آنچه که این حکومت می‌کند، موافقتند. اینکار را قبل از همه مستلزم آنست که مسلمانان مبارزه اختلافات و تضادهای حریصانه راستگرای مختلف در بالا دلخوش نکنند و بدانند که حل شدن در هر یک از این جریانها، آنها را فقط به دست قدرت خائنین به انقلاب تبدیل خواهد کرد. در هر حال فعلاً وظیفه ما اینست که از هر مورد مخالفت مبارزه و ایستادگی آنها بدر برابر ارتجاع حاکم جدا نیست کنیم و هر مورد عقب نشینی و تسلیم را محکوم و افشاء کنیم. علاوه وظیفه همسر ما اینست که نه این نیروها کمک کنیم، حقایق را درباره حکومت و واقع کشور در یاد بماندند که خصمی، شورایی نگه داشتن و دیگر ما داران حکومت که بنام اسلام، از کلان تاجران و بزرگ مالکان با ساداری می‌کنند تا زمانی که قدرت را در دست دارند هیچک از آرزوهای مردم برآورده نخواهد شد. این نیروها باید دست یاری دیگر نیروهای مبین دوست و مردمی ایران را برای پایان دادن به حاکمیت این مرتجعین و تشکیل یک دولت انقلابی ملی دموکراتیک را بپذیرند.

۶- مسایلی که سازمان ما در دست یابی به اهدافی که فراروی خود قرار داده است درگرو آنست که در این وضع بیفرنج و دشوار کشور، ما فداشای خلق ایران به وظایف بنیادین خود هر چه بیگیریم عمل کنیم. به همان میزان که نقش و تاثیر ما در اوضاع سیاسی کشور و در مبارزه توده های وسیع زحمتکشان با لامک سرور.

۷- استقبال هر چه وسیع تر توده های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه های همکاری همه هرجه و سیع توده های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه های همکاری همه نیروی ملی و دموکراتیک ایران و اتحاد آنان در جبهه متحد خلق را گسترده تر می‌کند. در این رابطه باید وظایف عملی و مشخص سازمان را با توجه به اوضاع کنونی کشور مورد بحث قرار دهیم. نظریه اهمیت این مسئله، فصل بعدی گزارش سیاسی تحت عنوان «اوضاع سیاسی و وظایف ما» تمام ما به این اختصاص یافته است.

اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر

مبین ما ایران، اکنون روزگار سی دشوار و خونباری را میگذراند. انقلاب بزرگ سپهر، این تزاره، شکوهمند بزم روزم توده های میلیونی، بر اثر نوظئه های امپریالیسم سرکودگی آمریکا و خائنیت رهبران جمهوری اسلامی راه نکستی می پیماید و آماج هستی والای آن با اعمال ارتجاع میگردد. امروز حکومت در همه سبتهای سیاستهای ارتجاعی را گسترش میدهد. تشبیه راه رشد سرمایه داری به قیمت حفظ و تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، آزادی غارتگری لجام سخته زحمتکشان توسط سرمایه داران و زمین داران بزرگ، برقراری روابط امارتبار با امپریالیسم، دامین زدن به هیستری شوروی سبیزی و کمونیزم سبیزی و اعمال خشن ترین سرکوب و ستم بر خلق کرد و دیگر اقلیتهای ملی و مذهبی و با اعمال کردن حقوق زنان در جامعه و خانواده، دشمنی با علم و سبیز با فرهنگ ملی ایران روشن بر نامه سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

ادامه جنگ ایران و عراق، لغو همه حقوق و آزادیهای دموکراتیک برقراری دشمنانه ترین شکل خفقان و استبداد و سرکوب خوین حرکت اعتراضی و مطالباتی کارگران و رنجبران به ابزارهای اصلی اجزای این سیاست و سرنامه، حفظ و تحکیم حاکمیت تبدیل شده است. تلاش برای پراکندن صفوف خلق و سرکوب و سبیزی سازمانهای انقلابی و مقاومت و مبارزه مردم بیا به سیاست ارتجاع حاکم است.

مصلح ملی و منافع مردم پیش از هر چیز و بیش از همه اتحاد نیروهای خلق ایران و اتحاد با جامعه کشورهای سوسیالیستی و رزمه ها و نیروهای ضد امپریالیستی در جهان را مطلبید، ارتجاع حاکم با پراکندن و درهم شکستن نیروهای خلق در داخل و گسترش هرگونه خصمی و دوستی کشور ما با کشورهای و نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست جهان، به خلاف مصالح ملی، خواستنا و آرزوهای مردم عمل میکند. ارتجاع حاکم میگوید تا گرد آوری همه نیروهای مترجع در کشور و بهره مندی هر چه بیشتر از پیشرفتای غرب و وابستگی آن، فرمانروایی خود را حفظ و تحکیم کند. کار بست این سیاستها به تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق و به گسترش جنبش اعتراضی و مطالباتی مردم منجر شده است و امکان ادامه حیات آنسرا، بدون توسل به سرکوب و غلطیدن بیشتر به آغوش دشمنان خلق دشوار و دشوارتر ساخته است.

در شرایطی که ارتجاع حاکم حزب توده ایران را موردزدیانه ترین اتهامات و ددمنانه ترین سرکوبها قرار میدهد، در شرایطی که جماعت سرکوب امپریالیسم و ارتجاع منوجه حزب توده ایران است، ما دفاع همه جانبه از حزب توده ایران را به معنای یک وظیفه انقلابی و سیاسی قاطع و بیگیریم انجام رسانده و می‌رانیم.

سیاست و ستم گیری هیات حاکمه کمری و اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست دموکراتیک و انقلابی را بیش از پیش ضروری کرده است. منتهمین و دیگر گروهی که جبهه مبارزه را به اشتراک مساعی و همکاری و اتحاد عمل با دیگر نیروهای ترقی خواه کشور، در راه دست یابی به اهداف مشترک قرار می‌خواهیم، ما همواره در این راه تلاش کرده ایم. ما همواره این گروهها را بیش از پیش همبستگی و جنبش کمونیستی و کارگری جهان و به مبارزه فعال علیه سکتاریسم و انفعال طلبی فرا خوانده ایم. متاسفانه این گروهها در سال های اخیر با انتصاب بدترین دشمنان ما به سازمان و عملیات برقراری یک فضای سالم برای ما ساخته اید و کمونیستی و وحل مسایل مورد اختلاف لطیفه زده اند ما اگر از این دشمنان ما صرف نظر کنیم، در سرنامه و در سیاست ما و آنها زمینه ها و مواد مشترک اساسی وجود دارد که می‌تواند با بدسربا به آنها در جهت همکاری ها و کمک های متقابل آغاز به کار کرد. ما فکری که سبیم همکاری های متقابل ما علیه امپریالیسم، علیه ارتجاع حاکم در راه صلح و آزادی و در راه استقلال و عدالت اجتماعی امکان پذیر و لازم است. این همکاریها بقیضا بود جنبش است و دشمنان متقابل ما نیز تا شریک است. این خواهد گذاشت.

اوضاع کنونی کشور و سیاست و ستم گیری فدمدکراتیک و ضد مردمی هیات حاکمه، همکاری و اشتراک مساعی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمانهای مبارزین خلق ایران در راه آماج های مشترک ضروری میسر و آون راه امری مستلزم عمل می‌کند. ما در این راه تلاش خواهیم کرد که علیرغم اختلاف نظر ها و موضوع همکاری های متقابل ما در هر سه جبهه مبارزه ضد امپریالیستی، آزادیخواهان و عدالت جویان خلق ایران بسط یابد. ما برنامه خود سربا جبهه متحد خلق را به همه نیروهای ترقی خواه ایران، از جمله سازمانهای خلق ایران اراکه داده و از آن ها دعوت می‌کنیم که حول این برنامه با هر برنامه دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد و زمینه اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران گردد، متحد شویم. علاوه بر اینها با توافق کامل روی برنامه مشترک، از همکاری های میان ما و آنها در زمینه های مورد توافق معوق بماند. حقیقت اینست که ما و متحدین همسایر و در هر عرصه های معینی، از جمله در مبارزه با ظلمت زگرددایندین سلاطینک طلبیه کشور، با استقامت و دیکراسی در کشور روتا مین حقوق دموکراتیک مردم ایران همسو با یکدیگر کام می‌ریم. جبهه اعتقاد ما این هم عملی و هم مفید است که به عنوان اولین کام در آرزویدن به یک برنامه جامع و اتحاد کامل در یک جبهه واحد، در هر عرصه ای که سیاست و مبارزه دوسا زمان همسو است همکاری و اشتراک مساعی ما با یکدیگر گسترش یابد.

جنبش ملی خلق کرد. جنبشی از جنبشهای ملی ایران است. این جنبش در طول تاریخ معاصر ایران همواره سلاح نیرومند و طبیعتاً بخش خلق کرد در

رفقا!

در راس سیاستهای خائسانه ارتجاع حاکم وتوطئه های امپریالیسم آمریکا که بر ضد مصالح ملی وعلیه خواستها وآرمان مردم میهن ما جریان دارد، ادامه جنگ ویرانگر توسط رهبری جمهوری اسلامی قرار دارد. حکومت برای شعله ورنگهداشتن آتش جنگ بهر قیمت هر روز دردهای تازه ای بر دردهای مردم می افزاید. جنگ ایران وعراق به تشویق وتحریک امپریالیسم آمریکا وتوسط رژیم صدام باهدف صدور ضد انقلاب وتحزیم کشور آغاز شد. اما مقاومت دلیرانه مردم این هدفها را خنثی کرد وسرانجام پس از ۲۰ ماه نبرد قهرمانانه در سوم خرداد ۱۳۶۱، به پیروزیهای قطعی دردفع تجاوز دست یافت. اما با این وجود، آیت الله خمینی با این حساب که میتوانست مردم را به درجش فتح خرمشهر عالیترین احساسات میهن پرستانه را بیهوش نماید گذاشتند. در راه آماج های مداخله گرانه بسیج کندی علیه مردم همدارهای مسؤلان و میهن پرستانه ما فرمان ادامه جنگ سرتوگی صدام را صادر کرد و دیدنگونه انقلاب وکشور را در مسیر توطئه ای قرارداد که امپریالیسم آمریکا وارتناع منطقه تدارک دیده بودند. اما همانطور که پیش بینی میشد، حساب های او غلط از آب درآمد وطولی نکشید که جنگ شکل فرسایشی و بی سرانجام بخود گرفت. اکنون هر روز سر عمر جنگ افزوده میشود. موضع کشور ما در تامين منافع وحقوق ملی، ضعیف تر وحضور ومداخله امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس واقیانس هند، بیشتر میشود. ارتجاع حاکم که خود را در بربرائی جمهوری اسلامی دعرراق ناتوان می یابد با اینکه می فهمد دستیابی به هدفهای که از ادامه جنگ فرا روی خود قرار داده بود شکست خورده است، تلاش میکند تا با شعله ورنگهداشتن آتش جنگ این شکست را پنهان سازد. ادامه جنگ در حال حاضر از یک سو وسیله کنارت آمدن با ارتجاع منطقه وغرب واز سوی دیگر در خدمت پنهان کردن خیانت وجنایات بی شمار ارتجاع از مردم قرار گرفته است.

رفقا!

همه ما که امروز در اینجا گرد آمده ایم، هریک مدت ها در زندانهای شاه بسر برده ایم، با تاریخ واندوه بسیار باید بگوئیم بسیاری از همزمان وهمنهجبران ما، بسیاری از رفقا ودوستان مبارز ما که سالهای طولانی را در زندانها وشکنجه گاهای رژیم شاه، در کنار ما بسر آورده بودند امروز دیگر در میان ما نیستند. آنها در حالیکه هنوز داغ شکنجه های رژیم سرنگون شده شاه راهم چون مدال افتخار بر بیکرهای خود نشانده داشتند، توسط جوخه های اعدام رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شدند. کشتار این شریف ترین فرزندان میهن ومردم سیاه ترین لکه شنگ بردامن بخون آلوده ارتجاع است. بیایید در اینجا بار دیگر بیاغیزیم وباسکوت رزمجویانه خویش خاطره تابناک آنان وهمه شهیدان خلق را گرامی بداریم. (یک دقیقه سکوت اعلام شد.)

رفقا!

امروز دهها گروه مسلح با عناوین ووظائف عجیب وغریب، بینه تعقیب وبیگرد وسرکوب مردم وانقلابیون مشغولند. رژیم ساداتکاهدها دارو دسته مسلح مخفی وطنی، با شکه گسترده ای از زندانها وشکنجه گاهها در خیال خام خود میخواهد انقلاب وجنیش انقلابی خلق ما را نابود کند. وضع زندانهای جمهوری اسلامی وجنگجویی نازجویی ومحاكمه آسان آئینه تمام نمای این نیت فاشیستی رژیم است. درحربان "بیگرد"، "تحقیق" و"محاكمه" ومجازات زندانیان در ایران آمیزهای از شیوه ها وسائل قرون وسطایی ونیز اسلوب ها وتکنیکهای فوق مدرنی که از زمانهای جاسوسی غرب اخذ شده است، استفاده می شود. زندانیان سیاسی در ایران فاقد هرگونه حقوق اجتماعی وبشری، ناقدهرگونه تامين جانی وفاقد ابتدائی ترین امکانات زیستی هستند. در سیدادگاههای رژیم، مطلقا هیچ قانونی وجود ندارد که بر انتها محوئی سیمان مشتی اصطلاح قضات شرع کوچکترین مهابی برزند.

بازگردانیدن دموکراسی به کشور، هدف مشترک ومقدم مبارزه همه نیروهای ملی ودموکراتیک ایران است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشای جنایات رژیم، علیه آزادی ودموکراسی وبسیج همگانی علیه آن ومبارزه در راه استقرار دوباره دموکراسی درکشور را وظیفه مبرم خود اعلام میکند و دیگر نیروهای خلق را به مبارزه مشترک در این راه فرا میخواند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هماهنگی مبارزه همه نیروهای دموکراتیک در دفاع از آزادیهای سیاسی، به ویژه آزادی زندانیان سیاسی بیکسرانه تلاش میکند.

سازمان ما از طریق ارگان مرکزی سازمان تشکیل یک نهاد مشترک برای دفاع از زندانیان سیاسی را پیشنهاد کرده و فراخوان ویرنامه روشنی را برای دفاع از زندانیان سیاسی ارائه کرده است. امروز ودراین گردهمایی تاریخی بار دیگر این پیشنهاد تکرار میکنیم و سایر نیروهای مبارزه سازمان مجاهدین خلق، حزب دمکرات کردستان، و دیگر سازمانها وگروههای چپ وانقلابی را به فعالیت هماهنگ ومشترک در راه تامين آزادیهای سیاسی ودفع از زندانیان سیاسی دعوت میکنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به اقدامات مجامع ومحافل بین المللی در حمایت از زندانیان سیاسی ارجحیت میدهد. در این روزهای دشوار تاریخ کشورمان بار دیگر از همه نیروهای ترقیخواه جهان دعوت میکنیم که بر حمایت خویش، از مبارزه مردم ما برای پایا نهادن به رژیم ترور و اختناق حاکم بر کشور بافزایند.

ارتجاع حاکم افزون بر ناسودی آزادیهای سیاسی، دیگر آزادیهای دمکراتیک رانیز نفی وپایمال کرده است. امروز طبقه کارگر وتوده های رنجبر کشور ما از هرگونه امکان وحق شکل ومبارزه قانونی در دفاع از حقوق خویش محروم گشته اند. حکام جمهوری اسلامی در طول سالهای اخیر همواره تلاش کرده اند سندیکاها وشوراهای کارگری را منحل وسخن کنند وبآنها را به اهرم فشار علیه کارگران مبدل سازند. آنها همواره تلاش کرده اند نگذارند کارگران برای خود سندیکاها وشورای مستقل ایجاد کنند. دیگر اقتدار زحمتکشان نیز همیدگونه زیر فشار قرار دارند واز حق ایجاد تشکلهای منفی وطبقاتی ودفاع قانونی از حقوق خود محرومند رژیم می گوید دهقانان را در حالت برانگیزی نگهدارد تا در برابر دولت و مالکین دست بسته باشند. دهها هزار کارگر وکارمند وآموزگار واستاد به دلایل عقیدتی، بدلیل عدم متنوعیت از ایدئولوژی وسیاست حاکم، بدلیل طرفداری از انقلاب وامتناع از جاسوسی برای رژیم از کار اخراج شده اند. کارگران، دهقانان کارمندان، دانشویان ودانش آموزان وبیگر اقتدار مردم امروزمبارزه خویش را علیه این اقدامات رژیم می گسترش میدهند.

حکومت جمهوری اسلامی رژیم می سبقته ترین تبعیضها بر اساس مذهب، عقیده وملیت است. این تبعیضها در عرصه آموزش وبسزوروش مجاشی رسیده که حتی کودکان به جرم وابستگی خانوادگی بانبروهای انقلابی و اقلیتها مذهبی، با ارتخصل محروم میشوند ویا در محیط آموزش زیر شدیدترین فشارها برای ششوی مغزی قرار میگيرند. اقلیت های دینی، حتی برای سرگزاری مراسم مذهبی بازرسان وایش خاص خود شدیدا زیر فشار قرار دارند. سازمان ما همه امکاناتی که در اختیار داشته از حقوق اقلیت های دینی دفاع کرده وکوشیده است تا مبارزه آنها را در راه تامين حقوق حقه خویش ست دهد ومدت رابه حمایت از مبارزه آنها فراخواند. این وظایف امروز با تاکید بیشتری در برابر مقرر دارند. فدائیان خلق تفرقه افکنی واشاعه شوونیسم مذهبی در صفوف خلق را قاطعانه افشا میکنند وهمه سازمانهای انقلابی ومیهن پرست، خصوصا نیروهای مبارز مسلمان را به مبارزه هرچه گسترده تر در این راه دعوت می نمایند.

این جنگ مصائب بزرگ بر شماری برای مردم ما بار آورده است. تاکنون از دوسو تقریبا ۳۰۰/۰۰۰ نفر کشته، دویست میلیون آواره، دهها هزار نفر گمشده وصدها هزار نفر معلول شده اند. برابر گزارش رسمی خود حکومت ۴۲٪ بودجه کشور صرف جنگ میشود. درینج استان، بخش اعظم تولیدات خوابیده وجنبدین شهر مهم وصدها روستای کشور ویران شده است. مطابق گفته رئیس جمهوری اسلامی طی سه سال، از سال ۶۰ تا پایان سال ۶۲ مبلغ حدود ۱۴۰۰ میلیارد ریال صرف هزینه های جنگ شده که اگر هزینه در نظر گرفته شده در بودجه سال ۶۲ را نیز بر آن بیافزاییم به رقم نجومی ۱۷۷۰ میلیارد ریال میرسد. طبق آمار دولتی خسارات وارده بر ایران تنها تا پایان سال ۶۱، ۱۶۲ میلیارد و ۶۷۷ میلیون دلار است که سهم خسارات مستقیم آن به ۸۰ میلیارد دلار بالغ میشود.

سایت ادامه جنگ در عمل به عامل کارآمد وموتیر تعویض نیروهای راستگرا در حکومت وسیله پیاده کردن اهداف وایستگرایانه وضع خلقی توسط آنان تبدیل شد. در حال حاضر ادامه جنگ از عمده ترین عوامل تهدید استقلال، حق حاکمیت وتما میت ارضی میهن ما است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از فتح خرمشهر، در برخورد با مسئله جنگ تا امروز همدوش وهمزاه با حزب توده ایران از یک سیاست اصولی، مسؤلانه ومنطقی با مصالح ملی ایران پیروی کرده است. ما (پس از فتح خرمشهر) ادامه جنگ را فقط به نفع محافل حاکمه آمریکا و به زبان دوشوکر ایران وعراق اعلام کردیم وهمواره مخالف گسیل نیروها داخل خاک عراق وموافق برقراری فوری آتش بس وطلع برای اسحق حاکمیت وتما میت ارضی طرفین برابر قرار داد ۱۹۷۸، عدم مداخله در امور داخلی کوچکتر وحل تمام مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره بوده ایم. ما امروز نیز همچنان از همین سیاست اصولی پیروی میکنیم. ادامه جنگ با مخالفت واعتراض روز افزون توده های خلقی مواجه است. اکنون دیگر بدستی میتوان از یک جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر میهن، گسترش میابد. سازمان ما در شهرها وروستاهای کشور نقش کاملا موثری در گسترش این جنبش بر عهده گرفته است. شعارها ورهنمودهای ما در مقابله با این جنگ خائسانوز در میان توده ها نفوذ میکند وباستقبال روز افزون مردم میهن مواجه است. ما مبارزه در راه بازگردانیدن طبع میهن دوشوکر را در صدر وظایف خود قرار داده ایم. ما بایده بسیج مردم علیه جنگ وبرای طبع رابا زهم بیشتر گسترش بدیم، باید با زهم بیشتر زبانهای جنگ ومسؤلوت هیات حاکمه در تحمیل آن به مردم را افشا کنیم.

ما خواهان آن هستیم ودراین راه تلاش میکنیم که مبارزه همه احزاب، سازمانها، گروهها، محافل وشخصیت های صلحدوست ومیهن پرست ایران هم آهنگ شود وهمکاری بین آنان مبارزه با خاطر صلح گسترش یابد. آرزوی مردم ما است که تلاش برای اشتراک مساعی، هماهنگی واتحاد عمل همه احزاب، سازمانها وشخصیت های مترقی ملی وطبع خواه ایران علیه ادامه جنگ با نتایج موثر ومثبت مواجه گردد.

ما برای کوششهای صلح طلبانه کشورها، سازمانها ومجامع بین المللی ومحافل صلح دوست جهان نیز که در راه قطع بلادرنگ جنگ اهتمام می ورزند، اهمیت ویژه قائلیم. تلاش های سازمان ملل متحد، در زمینه محدود کردن جنگ البته تاثیر مثبت داشته است. ما از این تلاشها استقبال کرده، وتلاش می کنیم که این مجامعات واقدمات مجامع بین المللی بویژه سازمان ملل متحد وجنش غیرمتعهدها، ادامه وگسترش بیابد.

امروز همه انقلابیون ومبارزان راه استقلال، آزادی وعدالست اجتماعی با هر عقیده وجهان بینی، در معرض بیگردی های گسترده وشکنجه وآزار دهنده هستند. نه تنها عضویت ساده در هر یک از احزاب وسازمانهای انقلابی، بلکه صرف داشتن یک اعلامیه از این سازمانها یا صرف خواندن یا نگهداشتن یک کتاب ویا حتی تنها پیوند خانوادگی یا دوستی با یک انقلابی کافیت تا افراد را آماج بیگردی و شکنجه وانتناب مجوسی رژیم وجلادان آن قرار دهد. فدائی وتوده ای ومجاهد ودموکرات ووابستگان دیگر سازمانهای انقلابی چه از نظر رژیم، می نفسه مجرم واز بیش محکوم شناخته می شوند. رژیم حاکم تاکنون هزاران انقلابی ومیهن پرست را به شهادت رسانده است. در این میان بیش از هزار نفر از شهدا از زنان مبارز کشور ما بوده اند. هزاران نفر از آنان نوجوانانی بودند که تنها جرمشان داشتن تلبی گرم برای آزادی میهن وسعادت مردم بود. در میان شهیدان، مادران هفتاد

جامعه داشته باشند، از طریق چپاول مردم و احیای استقلال کشورهای هفتگت می اندوزند. فعالیت اقتصادی کلان تا جران یکی از عمده ترین عوامل گرانی و تورم در سطح کشور است.

نمایه گزارش بانک مرکزی حجم پول در پایان سال ۶۲ نسبت به سال ۵۷ حدود ۲۱ برابر گردیده است. به اعترا فزاینده و رقیب سازمان برنامه و بودجه در سال ۶۲ بخش خدمات ۲۸۰ میلیارد تومان ارزش افزوده داشته است، در حالی که در بخش های تولیدی (صنعت و کشاورزی) نصف و یا ثلث آن هم نبوده است. به عبارت دیگر "تجسار محترم" با حمایت سران رژیم، تاکنون صدها میلیارد از درآمد و ثروت ملی را بفرات برده اند.

برخلاف تصویب صریح قانون اساسی آیت الله خمینی در چهارم شهریور ماه اسفند سال بدیگر به صراحت تمام سپردن تجارت خارجی بدست بخش خصوصی را مورد تأیید قرار داد. نقش استقلال شکن این سیاست، موقعی آشکار می شود که بخاطر آوریم به اعتراف مقامات رسمی کشور ۷۰٪ واردات از کشورهای امپریالیستی ۲۵٪ واردات از کشورهای وابسته

به امپریالیسم بویژه از ترکیه و پاکستان و برزیل است. سیاست رسمی رژیم همان طرح نواستعماری تکیه بر صادرات نفت و واردات کالاهای مصرفی است. علیرغم شعارهای دروغین حکومت در مورد خود کفایی اقتصادی رشد واردات به بهای نابودی تولید ملی در ابعاد ۲۴ نجومی بالا گرفته است و حجم کالاهای وارداتی در سال گذشته به سمرز ۲۴ میلیارد دلار رسیده است. بموجب آمار اعلام شده، واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی و محصولات غذایی در ۱۰ ماه سال ۶۲ از لحاظ وزن ۲۸ درصد و از لحاظ ارزش ۴۲ درصد افزایش داشته است. حجم واردات کتدم در سال ۶۲ در قیاسه با سال ۵۷ چهار برابر افزایش را نشان میدهد. که نمودار زیر بستگی اقتصاد کشاورزی در اثر سرازیر شدن کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی از جهان سرمایه داری است.

برای توضیح روشن تر سمتگیری رژیم، بدنیست حقایق دیگری را نیز در این زمینه خاطر نشان کنیم. بسیاری از شرکت های امپریالیستی همچنان آزادانه در اقتصاد کشور فعالیت میکنند. تنها شمار انحصارات ایالتی که در ایران فعالیت دارند به ۵۰ شرکت رسیده که حجم قرارداد های آنها به ۶ میلیارد بالغ میگردد. در سال های بازرگانی با کشورهای امپریالیستی بطور شتابان رشد پیدا کرده است. واردات حجم صادرات آلمان فدرال به ایران ۱۰۰٪ افزایش را نشان میدهد. صادرات امریکسا به ایران طی یازده ماه سال ۱۹۸۳، ۱۷۱ میلیون دلار تخمین زده میشود که رشدی معادل ۸۰٪ را منعکس میکند. سهم واردات ایران از انگلستان روزبه روز در حال افزایش است و هم اکنون ماهیانه به حدود ۵۵ میلیون لیره استرلینگ رسیده است. با موافقت رژیم انحصارات ژاپنی، در بیشتر رشته های تولید و خدمات فعال میباشند. قرارداد حمل و نوا برابر بتروشیمی ایران و ژاپن یک نمونه برجسته است که در یوزگی رهبران رژیم در محراب امپریالیست ها را به نمایش میگذارد. ماهیت سیاست رژیم موقعی عیانتر رخ می نماید که متذکر شویم که حجم صادرات بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در قیاس با سال های حدود ۷۰٪ کاهش یافته است. اشتیاق رژیم به گسترش رابطه با امپریالیست ها اکنون، تابان است که وزیر صنایع سنگین رژیم اشکبار از ضرورت تحکیم وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، آتش هم از تویض های رسمی و نیمه رسمی دفاع میکند.

برخلاف روح و منوی قانون اساسی که نقش عمده را در اقتصاد کشور برعهده بخش دولتی و تعاونی و تعاونی گذاشته است، به موجب برنامه پنج ساله اول، ۶۴٪ سرمایه گذاری در صنایع سبک و سنگین برعهده بخش خصوصی گذاشته شده است. و این در شرایطی است که بگفته وزیر معزول صنایع، ۷۵٪ مواد اولیه کارخانه ۹۵٪ ماشین آلات مورد نیاز صنایع بزرگ وابسته به انحصارات امپریالیستی است.

مجموع این حقایق موبد این حکم است که تثبیت راه رشد سرمایه داری و فارتگری بی امان کلان سرمایه داران، حفظ و تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم را ناگزیر ساخته است.

هم از این روست که برای سرمایه داران و زمینداران بزرگ و در را س همه کلان تاجران، بر طرف کردن هر چه سریعتر سوا قذفات "ناغرب امپریالیست مساله مرکزی است. زیرا شاهراهی که کل روان سوده های بی پایان اینان از آن میگذرد، همان شاهراه چپاول انحصارات امپریالیستی است. حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران در این شاهراه گام

گذا رده و در چنین مسیری راه می یابد. مناسبات اقتصادی گسترده و نا برابر رژیم با امپریالیست های آلمان فدرال، ژاپن، ایالتلیا، انگلیس و دادوستدهای مخفیانه و با واسطه و بی واسطه آمریکا، نموداری از سمتگیری ضد ملی در سیاست جمهوری اسلامی است. امپریالیست در جریان کنفرانس ولپا مزبور بر این سمتگیری جمهوری اسلامی صده گذارده و مشتاقانه خواهان تشدید و تسریع آن شدند. در کنفرانس اخیر سران دول بزرگ امپریالیستی در لندن، تصمیمات ولپا مزبورگ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. مسافرت اخیر گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال بی از کنفرانس لندن، بعنوان نماینده امپریالیسم آلمان و سفیر حسن نیت سرب امپریالیست و دلال کفتکوهای در پرده رژیم با امپریالیسم آمریکا گستره و ژرفای سمتگیری ارتجاعی رژیم را درجهتی مغایر مصالح ملی و آماج های انقلاب بهمین هر چه روشنتر به نمایش گذاشته است.

همکار یه ای گسترش یابنده و شتابگیر حکومت با رژیم های مرتجع منطقه بویژه رژیم های ترکیه و پاکستان، احیای رسمی پیمان امریکسا ساخته آت - سی - دی بعنوان زمینه مقدمه گسترش همکاری های نظامی و اطلاعاتی، همکاری و هماهنگی با ترکیه در سرکوب مبارزات خلق های کرد ساکن ایران و عراق و کمکهای همه جانبه به ضد انقلاب افغان نمودار اقدامات ارتجاعی رژیم علیه مصالح ملی کشور است. این اقدامات در نقطه مقابل اهداف ضد امپریالیستی انقلاب مردم مسافر قرار دارد. و توطئه علیه انقلاب افغانستان، اعلام عدم حمایت از یکبارگی وحدت جنبش فلسطین، حمایت وسیع از دار و دسته های مرتجع و فاسق عراق با پوشش اسلامی جهت جلوگیری از رشد و بالندگی جنبه نیروهای انقلابی و مردمی عراق، نمونه های از مقابله حکام جمهوری اسلامی با جنبش انقلابی در کشورهای رشد یابنده است. چنین روندی در تقابل اشکار با منافع ملی کشور ما و تهدید انکار ناپذیری علیه استقلال سیاسی و منافع ملی کشور است. این روند کشور ما را به جنبه امپریالیسم جهانی به سرکردگی میکا می کشاند. این مهمترین خطری است که منتهی ثاب را تهدید می کند. سازمان ماهه مشابه سازمان پیگیرترین میهن

دامن زدن به تبعیض میان ملیتها ی مختلف کشور ما نمودار دیگری از عملکردهای ضد دموکراتیک ارتجاع حاکم است. رژیم بانکار

و یوزگیهای ملی، قومی و مذهبی خلقهای ساکن کشور، حقوق آنان را لگدکوب کرده و مانع شرکت خلقها در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور است.

اکنون بیش از پنج سال از تهاجم حکومت علیه خلق کشور در میگذرد. در طول این مدت هزاران زن و مرد و پیر و جوان هم مین ما درگیر انبای جنگ برادرگشی در کردستان جان خود را از دست داده اند. برابر آمار کنگره ششم حزب دموکرات تاکنون ۲۵ هزار نفر از مردم عادی کردستان جان خود را از دست داده اند.

رژیم که خود را از نابودی مبارزان کرد ناتوان نمیبیند، فشار را روی مردم بی دفاع روستاهای کردستان تشدید میکند. رژیم اخیرا در برخی اوستاهای کردستان به کوچ اجباری روستاکیان دست یازیده است. رژیم روستاهای را که از جنبش ملی خلق کرد حمایت میکنند و مبارزان کرد را بنانه میدهند، به توب می بندد. همچنین رژیم اخیرا طی بخشنامه ای به همه ادارات در سراسر کشور دستور داده تا کردها را شناسائی کنند.

جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خودمختاری برای کردستان مبارزه میکند، یک رنگ مهم جنبش سراسری مردم ایران است علیرغم لشکر کشی نظامی مکرر به کردستان، علیرغم بمباران و خنثی سازی و قتل عام های بیرحمانه مردم بیگناه، رژیم از درم شکست جنبش ملی خلق کرد عاجز مانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لشکر کشی به کردستان و سرکوب و خنثیانه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم میکند. سازمان مردم سراسر ایران را از جنایات رژیم در کردستان و از خواستهای برحق خلق کرد آگاه میسازد و پیگیرانه از مبارزانی برحق و عادلانه مردم کردستان در راه کسب حق خودمختاری پشتیبانی میکند. سازمان در راه تحکیم همبستگی مبارزه خلق کرد به مبارزه سراسری مردم ایران و جلب پشتیبانی مردم سراسر ایران از جنبش ملی خلق کرد تلاش میکند.

تلاش حکومت این است که زنان را با توسل به انواع فشارها از محیط های کار و فعالیت سیاسی و اجتماعی بیرون براند و مانعند بردگان در چار دیواری آتیزخانه و خانه، بی بهره از هرگونه حقوق انسانی و اجتماعی به تمام معنی اسیر سازد. در محیط های کار هر روز عرصه بر زنان تنگ و تنگ تر میشود. زنان را از محیط های فعالیت اجتماعی طرد میکنند. بسیاری از کارها و بسیاری از یستها، رسا - برای زنان معنوی شده است. در راه آموزش دختران و زنان دشواریهای گوناگونی پدید آورده اند و میگویند برای آنها از اساس سیستم جداگانه "آموزشی" سرهمبندی کنند. مطابق آمار دولتی در سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ دانش آموزان دختر یک میلیون و هشتصد هزار نفر کمتر از پسران بودند. این تفاوت ده سال بیش از آن یک میلیون نفر فرود است. عمل رژیم و قبحانه حتی در جزئیات زندگی شخصی زنان کشور کنکاش و دخالت میکند و زنان شریف مین ما را طرفدار بیگانه عدم مشارکت از بوشن مورد پسند ارتجاع. مورد اهانت های و قبحانسه قرار میدهد و زندان میبرند و به شلاق میکشند.

رفقا!

توجه نا برابر یها و سمتگیری اجتماعی، سخوانکار اصول عدالت خواهان قانون اساسی و رویگردانی آشکار از انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی اکنون سیاست رسمی حکومتگران است. حکومت جمهوری اسلامی حافظ کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و بیش از همه تامین کننده منافع کلان تاجران است و راه را برای فارت بی امان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان باز گذاشته است.

اکنون در کشور ما ۵۰۰ هزار خانوار (۲۵/۵ میلیون نفر) دهقان بی زمین و حدود بیش از یک میلیون خانوار (بیش از ۵ میلیون نفر) کم زمین هستند که مجموعا ۲۳٪ کل دهقانان کشور را تشکیل میدهند. این تعداد از دهقانان کلا ۴/۵ درصد از زمینهای کشاورزی را در اختیار دارند. برابر اعتراف مسئولین رژیم حدود ۴۳ درصد دهقانان کمتر از ۲ هکتار زمین کشاورزی را در اختیار دارند. در حالی که ۲۱٪ زمینهای بار آور در تمام ۲۶ هزار بزرگ مالک قرار دارد. در هنگام تصویب قانون اصلاحات ارضی در شورای انقلاب و تشکیل هیات های هفت نفره در خرداد سال ۱۳۵۹ کتا واسط سال ۶۱ تنها مجموعا ۷۳۵ هزار هکتار زمین به کتا ورزان واگذار شده بود که ۵۰۰ هزار هکتار آن از زمینهای موات بوده است. مجموع کل خانوارهایی که تا آن زمان صاحب زمین شدند تنها ۹۵۸۷۶ خانوار بوده است.

حکومت جمهوری اسلامی در واسط سال ۵۹ با تأیید آیت الله خمینی اجرای قانون اصلاحات ارضی را متوقف کرد. دودر واسط سال ۶۱ پس از در طرح نیم بند اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان، تعرض ارتجاع برای باز ی گرفتن زمین از دهقانان و بازگردانیدن بزرگ مالکان قرار ی به روستاهای کشور آغاز شد. امروز در نقاط مختلف کشور، دهقانان با هجوم مجدد بزرگ مالکان روبرو هستند. تعرض رژیم علیه منافع دهقانان زحمتکش ک گسترش یافته که حتی در بسیاری از نقاط کشور امحا - دستاورهای کسه دهقانان طی مبارزات طولانی خویش علیه رژیم مستعماهی بدان نایل شده بودند، را دربر میگیرد. نمونه بارز این امر قانون مربوط به ابطال اسناد واگذاری ارضی موقوفه مصوب اسفند ماه ۶۲ مجلس شورای اسلامی است. مطابق این قانون ارتجاعی اسناد واگذاری زمینهای اوقیاف به زارعین صاحب نسق در گذشته باطل شده است.

دهقانان محروم در چنین شرایطی دسته دسته راهی شهرها میشوند و در بیفوله ها و حلی آبادهای حاشیه شهرها زندگی رنجبار خویش را سپری میکنند. رژیم دهقانان آواره و مهاجر را نیز زیر فشار شدید قرار داده، آنها را از استفاده از طرح جیره بندی به اصلاح بسج اقتصادی محروم میسازد و حتی با تشکیل گشت های ویژه ای از اقرا ملیت آنان را شناسائی و دستگیر میکنند و به زور از شهرها بیرون میرانند. با این همه به گفته شهردار تهران در سال جاری هر روز ۱۵۰۰ نفر روستایی تنها به شهر تهران مهاجرت کرده اند.

لایحه ده بار تعدیل شده بنام " دولتی کردن تجارت خارجی " از سوی شورای نگهبان مردود اعلام شد و به جای آن مصوبه ای بی اثر تجاری که دولت را خدمتگزار کلان تاجران می شناسد بنام " نحوه اجرای تجارت خارجی " صورت قانونی یافته است. در پرتو فتاوی مکرر آیت الله خمینی در حمایت از آزادی تجارت و تجار و ترکر، کلان تاجران بر شریک های اقتصادی کشور، چنگ انداخته اند و بی آنکه نقشی در تولید ثروت های

پرستان ایران با همه امکانات خود این سیاستها و اقدامات رژیم را افشا کرده و میکنند. ما با تمام نیروی خود از استقلال ملی و منافع ملی کشور خود دفاع میکنیم.

افتاء این سیاستها وسیع همه اقشار و طبقات خلق علیه تلاشهای استقلال شکن و ایران برپا داده ارتجاع حاکم وظیفه تاخیرناپذیر و بنیادین همه نیروهای انقلابی است. مردم میبایست که در راه تامین استقلال کشور خود حماسه های بی مانند آفریده اند و سنگر به سنگر علیه مواضع امپریالیسم و عمال و راستگرایان آن جنید که اقدامات استقلال شکن رژیم را با مقاومت و مبارزه شتابگیر خوبی مواجه میسازند. در این راه افتاء توطئه های امپریالیستها برای به گجراه کشاندن سازمانهای ضد امپریالیست و انقلابی، با شنیدن تخم تفرقه و نفاق در صفوف نیروهای ملی دموکراتیک کشور اهمیت ویژه ای دارد. سازمان ما با درایت انقلابی در راه جنتی کردن این توطئه ها و تلاش های محیانه امپریالیسم و شیروهای ارتجاع، با تمام قوا میریزد.

رفقا!

توده های دهها میلیونی کشور نه تنها سیاست و سمت گیری حکام جمهوری اسلامی را تأکید نمیکنند، بلکه علیرغم خفقان و سرکوب شدن و بی سابقه ای که برکنور حاکم شده است، در راه تامین خواستها و کسب حقوق خود مبارزه میکنند. جنبش توده ای در وضع فعلی صحت اعتراضی و مطالباتی دارد. اعتراض علیه ادامه جنگ و علیه نابرابری اجتماعی عمومی ترین مضامین اعتراض و مبارزه توده مردم زحمتکش است. سیاست رژیم در اعمال تبغیض و نقض حقوق دموکراتیک مردم با مقاومت توده ای روبروست. مردم سیاست رژیم ذر جلب و فراخواندن کبلاان سرمایه داران و سزرگ مالکان فراری و انتقال اموال و زمین های مردم به آنها را محکوم میکنند. خواست ها و مطالبات اقتصادی عمده ترین موضوع مبارزه توده ایست. این مبارزه گرچه هنوز پراکنده و عموماً موضعی است، اما مشخصاً با آگاهی سیاسی درآمخته و دارای جهت گیری سیاسی معین در مخالفت با استکباری و سیاست رژیم است.

افتاء نیروهای انقلابی بویژه فدائیان خلق و توده ایها در راه ماهیت و سمتگیری سیاست رژیم موجب آن شده است که توده های وسیعی از مردم از محکوم میکنند آگاه شوند و راه مقابله با آن را در پیش گیرند. سیاست رژیم در سرکوب همه احزاب و سازمانهای انقلابی و پایداری کردن همه آزادیهای سیاسی، تعطیل تمام مطبوعات غیر حکومتی، کشتار دهها هزار جوان بیگناه، مین دوست و مترقی و قشون کشی علیه هر اعتراض به حق توده ای نیز همه و همه به روند سلطه اعتماد مردم از حکومت دامن میوزند. اعتراض علیه آزادی کشی کشتار بازم بیشتر میباید. در وضعیت فعلی توده ها به اشکال متفاوتی اعتراض و مبارزه خود را دنبال میکنند. حرکات اعتصابی، کم کاری و تخمین، تظاهرات، تظاهرات و درگیریهای موضعی و محلی خود انگیخته، مراجعه و اعتراض دسته جمعی به مسئولین، مقاومت منفی و عدم تمکین به مقررات و تحکیمات حکومت اشکال مبارزه توده ایست. شکل عمومی این مبارزات تهر آمیز نیست.

هم اکنون فدائیان خلق، اعضا، و هواداران سازمان در سراسر کشور مطابق خط مشی، سیاست و روشمندیهای مشخص سازمانی در جنبش روبه گسترش توده ای نقش موثری برعهده دارند. اعضا، و هواداران سازمان با سیاست جنبش توده ای پیوند های عمیق برقرار می کنند و در هر کجا که باشند در هدایت مبارزه مردم بیوی پیروزی، بسوی تسخیر مواضع تازه تر و مستحکم تر فعالانه تلاش میکنند. دستگاه رهبری سازمان و مسئولین بختهای مختلف تشکیلات، بویژه در سال جاری، تمام تلاش خود را برای گرفته اند که سازمان همه امکانات خود را برای پیروزی و بسط و گسترش اعتراض و مطالبه مردم بکارگیرد. تبلیغات سازمان گسترش یافته است و در پیرو آن توده های وسیع خلق درمی یابند که فدائیان خلق ایران (اکثریت) میتوانند مورد اطمینان و اتکا قرار گیرند. ما موفق شده ایم بسویله پیش تاخت در سطح وسیع، شعارها و مطالبات توده ها را در سطح جامعه مطرح کنیم. سازمان با اتکا به تجارب ارزمندگی که آموخته است روز به روز سهمیایست تری در هدایت جنبش توده ای برعهده میگردد.

جنبش توده ای کارگری، که در حال حاضر رشد یافته ترین بخش جنبش توده ای است، در مرکز توجه و کانون فعالیت ما قرار دارد. در سالهای اخیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران عملاً در سازماندهی و هدایت مبارزه توده کارگران و در اوضاع شناختن طبقاتی و آگاهی سیاسی، در صفوف طبقه کارگر نقش تعیین کننده و درجه اول را ایفا کرده اند. بارزترین نمود این نقش در جنبش قانون کار علیه بیسن نویسن توکل، وزیر کار سابق و در راه تدوین قانون کار مترقی و مشارکت کارگران متجلی شد. طومار نویسی علیه بیسن نویسن کذاکسی بیسن از یک صد هزار نفر کارگر زحمتکش را در بر گرفت. رقمی که در تاریخ جنبش کارگری ایران بیسابقه است. این مبارزه که اوج خود را در نیمه دوم سال ۶۱ و نیمه اول ۶۲ با ردیسن نویسن توکل و برکناری خودوی پشت سر گذاشت هم اکنون در مقابله با بیسن نویسن تازه ادامه دارد. آگاهی کارگران در این مبارزه تا آنجا رشد یافته است که رژیم حتی اگر بیسن نویسن ضد کارگری را هم به تصویب برساند هرگز قادر نخواهد شد آنرا به تأیید کارگران برساند.

در دوسه ساله اخیر مساله دستمزد برای کارگران هر روز حسد ت بیشتری یافته است. در شرایطی که تورم و گرانی بیداد میکنند و در شرایطی که به اعتراف خود حکام جمهوری اسلامی سود سالانه کلان تا جبران دیگر سرمایه داران بزرگ به هزاران میلیارد ریال سر میزند و چنان غارت میکنند که در بیسن سال گذشته بیسابقه بوده است و در حالیکه بار این جنگ خانمانسوز هر روز زندگی و معیشت زحمتکشسان را سخت و سخت تر میکند، رژیم به ظالمانه ترین شکل ممکن از سال ۵۸ تا حالا حداقل دستمزد کارگران را در همان سطح ۶۲۵ ریال نگاه داشته است. ارزش واقعی این مبلغ نسبت به سال ۵۸ به کمتر از نصف آن رسیده است. افزایش دستمزد از عمده ترین مضامین مبارزه مطالباتی کارگران است. بیشترین اعتراضاتی که در یکساله اخیر رخ داده به اجزاء مختلف در این رابطه بوده که برجسته ترین آن اعتراضات قهرمانانه کارگران دغانیات است.

سیاست رژیم در دفاع از منافع سرمایه داران طبقه کارگران را کزیر ساخته است به اتکای نیروی خود در مقابل کارفرمایان و دولت قرار گیرد. از راهی و زندگی خود دفاع کند. فعالین ما با تمام امکانات و بسا استفاده از تمام اشکال مبارزه توده ای، مبارزه کارگران در راه افزایش دستمزد را تقویت میکنند و سازمان میدهند.

در یک سال اخیر مبارزه کارگران در زمینه مساله مسکن و طبقه بندی مشاغل جای برجسته ای داشته است. در اکثر واحدهای تولیدی علیه مقررات طرح طبقه بندی مشاغل و درجه بندی تغییر آن به نفع کارگران مبارزه و حرکت وجود داشته است. این مبارزه دامنه وسیعی بخود گرفته و در چندین مورد به اعتصاب کشیده شد که نمونه شاخص آن اعتصاب کارگران قهرمان شرکت ساسان است. اعتصابی که توسط عمال " حکومت اوین " به خون کشیده شد. تعاونیهای مسکن کارگری نیز در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه ای یافته و به یکی از تشکلهای نیرومند کارگری تبدیل شده است. هم اکنون صد ها تعاونی مسکن کارگری مبارزه وسیعی برای گرفتن زمین تحصیل وام و مصالح پیش می برند. محافل ارتجاعي حاکم تلاش دارند این تشکلهای را مملاتی کنند. فعالین کارگری باید با جدیت بیشتر این دو خواست مهم کارگران را دنبال کنند.

عوامل سرکوبگر رژیم در کارخانجات و محیط های کارگری، که اکثراً با تحت پوشش انجمن های اسلامی عمل میکنند و یا رسماً از طرف سیاه و دادستانی در دایره حفاظت و انتظامات " گمارده شده اند، سعی میکنند با حربه اخراج و چماق زندان توده کارگران را به اطاعت و تسلیم وادارند در راه های اخیر حربه اخراج بدون توجه به هرگونه ضابطه قانونی علیه فعالین جنبش کارگری بکار گرفته میشود. رژیم می گوید با وجود ارتش عظیم بیگاران طبقه کارگر را از اعتراض و مطالبه بازدارد. رژیم میخواهد اخراج را به وسیله اصلی خود در مقابله با حرکات و اعتراضات توده ای کارگری بدل کند. اما نکته امید بخش در اینجا اینست که در راه های اخیر نمونه های حمایت عملی و موثر کارگران از فعالین کارگری که به دلیل دفاع از حقوق کارگران اخراج میشوند، افزایش چشمگیری داشته است. یگانه راه عملی مقابله با این توطئه کشنده ضد کارگری هم همین است. ما باید به قویست اتحاد و همبستگی کارگران این حربه را از دست سرمایه داران و دولت خارج کند.

همه میدانیم که جنبش کارگری ایران فقط به همان میزان که متحد و متشکل میشود قادر است به اهداف اقتصادی و سیاسی خود دست یابد. چاره نبرهان در وحدت و تشکیلات است. هم از این روست که بویژه از انقلاب به این سو مساله تشکل صنفی - انقلابی، سندیکایی و سیاسی طبقه کارگر همواره از جداترین موضوعات جنبش کارگری و انقلابی ایران بوده است. تشکلهای صنفی - انقلابی کارگری که در جریان انقلاب تحت عنوان " شوراها " در بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی شکل گرفته بود به تدریج پایبای تقویت مواضع نیروهای ارتجاعي در حاکمیت مورد هجوم واقع شد. اما این هجوم پراثر مقاومت سرخشان کارگران به تمام اهداف خود دست نیافت. شوراها " در بسیاری از واحدها با مقصود سندیکا (تشکل صنفی کارگری) به حیات خود ادامه داد. علیرغم فشار شدید حکومتی کارگران در برخی از رشته ها موفق شدند برخی تشکلهای کارگری از جمله برخی سندیکاها را نیز حفظ کنند.

پس از چرخش کامل سیاست و سمت گیری رهبران رژیم فشار هیات حاکمه بر تشکلهای کارگری بازم بیشتر شد. بویژه محافل وابسته به حزب جمهوری اسلامی کوشیدند با تشکل های کارگری را مملاتی کنند و یا عناصر ارتجاعي و ضد کارگری در آنها بهار کار را در دست گیرند. با این حال در محافل کارگری ضرورت ایجاد و گسترش و تحکیم تشکل های مستقل کارگری روز به روز با وضوح بیشتری درک میشود و مورد تأکید قرار میگیرد. در حال حاضر این مساله در مقابل ما قرار دارد که با تغییر شرایط عمده ترین اشکال تشکل کارگری کدامند؟ در این شرایط سرکوب و خفقان می باید با تمام نیرو در راه حفظ، ایجاد و گسترش انواع تشکلهای رسمی و مستقل صنفی - توده ای کارگری از قبیل سندیکاها، شوراها و نمایندگان کارگران، تعاونیهای کارگری و غیره با استفاده از تمام امکانات و ابتکارات تلاش کرد. در عین حال باید تلاش کرد عناصر مرتجع، ضد کارگر و خائنی را که در این تشکل های کارگری حکومتی قرار گرفته اند، افتاء کردند و رهبری این تشکل ها از دست آنان خارج شود.

بیشتر صبح این وظایف در وضعیت کنونی مستلزم آنست که برای رهبری این مبارزه و برای تداوم رهبری صحیح و موثر مبارزه کارگران بطور کلی هسته های مخفی متشکل از آگاه ترین و باتجربه ترین عناصر فعال جنبش کارگری وجود آید. در حال حاضر در بسیاری از واحدهای تولیدی مبارزه کارگران عملاً توسط همین هسته ها رهبری میشود. تعداد، نقش و اهمیت هسته های مخفی فعال کارگری در جنبش کارگری ایران روبه افزایش است. در این هسته ها بسیاری از فعالین کارگری که وابستگی سیاسی و سازمانی خاصی ندارند نیز شرکت می کنند. ایجاد و تقویت این هسته ها در ایجاد، حفظ و گسترش تشکلهای عملی کارگری و هدایت آن در سمت منافع طبقه کارگر نقش جدی دارد. ما در وضعیت قرار گرفته ایم که جنبش صنفی - طبقاتی کارگران ایران عملاً نیازمند تلفیق هیاترانه فعالیت مخفی و علنی است. بدون هر یک از این دو دیگری ناکافی و ناتوان است.

سرنوشت جنبش انقلابی خلق ما در آخرین تحلیل با پیشرفت تلاش ما برای سازمانیابی صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران گره میخورد. خط مشی و برنامه سازمان با هدف استراتژیک پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و هدایت کشور توسط نیروهای ملی و دموکراتیک در جهت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی که از طریق فعالیت وسیع تبلیغی و افشاگرانه اعضا و هواداران سازمان در جامعه عرضه میشود، عمده ترین عامل و ضامن پیشرفت این تلاش ما است.

چهار سال پیش از این زمانی که رژیم حاکم واکداری املاک بزرگی مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین را معلق کرد، مبارزه توده دهقانان علیه بزرگ مالکی تشدید شد. از دوسال پیش که سران مرتجع جمهوری اسلامی، بزرگ مالکان فراری را تحت پناه خود گرفتند و آنها را در پناه سرنیزه ژانداروم و پاسدارهای بیس گرفتن زمین دهقانان به روستاها فرستادند، این مبارزه شکل حادی به خود گرفته است. دهقانان در برابر حکام شرع و در برابر پاسدار و ژاندارم از خود مقاومت دلیرانه ای نشان میدهند. رژیم هرگز موفق نشده و نخواهد شد به سادگی زمین را از جنگ ما جدا و واقعی آن در آورد و به فئودال ها بسپارد. رژیم برای اینکار

خود را در درواری دهقانان قرار داده و در بسیاری نقاط کشور برای درهم شکستن مقاومت دهقانان به زور اسلحه متوسل شده است. اکنون دهقانان را به جرم بیس ندادن زمین به مالک فراری دستگیر میکنند و به زندان و شلاق میکشند. در تمام این مدت رفقای ما در مبارزه علیه بزرگ مالکی بیگیرانه از دهقانان دفاع کرده اند و از فعالترین نیروها در این عرصه مبارزه

است، و بالاخره تشکیل رسمی دوشعبه دادگاه در دیوان عالی، کشور برای صدور حکم قطعی اخراج برای دانشجویان " فاسد العقیده " از بازتربیان نمونه های این تلاش رژیم است.

آنچه را که در مورد دانشگاهها گفتیم باید در مورد مدارس نیز تکرار کنیم. با این تفاوت که در مدارس و دبیرخورد بانوجوانان رژیم می گویند علاوه بر حربه سرکوب زحریه قریب بیش از هرچای دیگر استفاده کند. تبلیغ افکار ارتجاعی بویژه " تبلیغ جنگ " عملاً بخش مهمی از وقت مدارس را به خود اختصاص داده است. اینکه بنا به اعتراف خود حکومت ۵۳ درصد افراد بسیج را محملین تشکیل میدهند، اینکه دروسالته اخیر در بسیاری از کلاسها بیش از نیمی از شاگردان درجه ششم شده اند، از نفرت انگیزترین اسناد اقدامات ضد مردمی ضد انسانی ارتجاع حاکم است.

با ابطال دانشجویان و دانش آموزان حقایق کشور را درک میکنند. برای آنها و برای اکثریت عظیم تمام جوانان جمهوری اسلامی بیش از پیش جاذبه خود را از دست میدهد. هم اکنون نیروهای دانشجویی و دانش آموزی در مبارزه علیه ارتجاع حاکم بویژه علیه جنگ و اختلاف نقش جدی دارند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره در هدایت مبارزه نیروهای جوان نقش فعال داشته است. در سالهای اخیر دهها هزار نفر از کادرترین و پیگیرترین و انقلابی ترین جوانان کشور، تحت رهبری سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) فعال ترین نقشها را در مبارزه بوده های دانشجویان و دانش آموز سرعده داشته اند. لازم است افزایش این نقش تقویت سازمان جوانان و توجه جدی تر رهبری سازمان به مبارزه و مسائل جوانان است.

زمانه داران جمهوری اسلامی در رابطه با مساله فعالیت سیاسی پرسنل نیروهای مسلح از روش منمورانه ای پیروی میکنند. آنها از یک طرف تقوا می دهند که افراد ارتش و سپاه نباید در احزاب و سازمان های سیاسی وارد شوند و از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی را مستثنی میکنند و ارتش و سپاه را جولانگاه تبلیغات ارتجاعی و انحرفی، عمال این حزب ساخته اند. مرتجعین حاکم علیه فعالیت انقلابی در صفوف نیروهای مسلح جنبه توطئه عمل میکنند. آنها سال گذشته ده نفر از شریف ترین فرماندهان و افسران رابه جرم وفاداری به میهن و انقلاب ناجوانمردانه به جوخ های اعدام بردند و طبق اعلام حاکم شرع دادگاههای نظامی حدود ۳۵ نفر از پرسنل ارتش نیز به داشتن گرایش انقلابی در جهت مواضع سازمان ما متهم و دستگیر شده اند. آنها در عوض ارتجاعی ترین عناصر وابسته به حقیقت و مصلحت طلبان رابه کارفرما خواندند و به بستن های حساس گماردند. رکن دوم ارتش را با همان پرسنل و با همان وظایف دوباره احیا کرده اند. لکن هیچ یک از این اقدامات نتوانسته است رهبران حکومت را به مقصود برساند. ایده ها و مواضع انقلابی در میان نیروهای مسلح نفوذ میکند. در ارتش و در سپاه مخالفت با ادامه جنگ و دیگر سیاست های حاکمیت گسترش روز افزون می یابد.

آیت الله خمینی سیاهیان با یسار و ارتشیان را مکرراً تهدید کرد که یاد دیگران کرده است. با این حال ناراضی و عدم اعتماد به حقانیت و صلاحیت رهبران جمهوری اسلامی و تمایل بشرکت در مبارزه انقلابی خلق در نیروهای مسلح کشور یک پدیده رویه رشد است.

برای تسویش کشور و انقلاب اهمیت حیاتی دارد که پرسنل نیروهای مسلح در هر سطح و هر موقعیتی که ممکن است به خلق وفادار باشند و از دست آوردهای انقلاب دفاع کنند. در این رابطه خنثی کردن تبلیغات و تمهیدات ارتجاع حاکم و ترویج افکار و مواضع ترقی خواهانه در صفوف نیروهای مسلح کمال اهمیت را داراست. سازمان ما علیرغم تلاشهای مذبحونه ارتجاع که می گویند از نفوذ و رخنه اندیشه ها و افکار انقلابی به صفوف نیروهای مسلح جلوگیری کند، همواره با تمام نیروی این وظیفه ملی، انقلابی و میهن پرستانه خود عمل کرده و خواهد کرد.

رفقا!

بررسی های فوق، که جهات مختلف اوضاع کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد نشان می دهد که در مرحله کنونی مبارزه برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع بر کشور و استقرار دولت ملی و دمکراتیک مستلزم تدارک نیروی کافی است و وظیفه میرما در این راستا قبل از همه سط و توسعه هر چه بیشتر افشاری سیاسی است سازمان ما باید در این راه همه شیوه های تبلیغی کنونی و ففاهی، مستقیم و غیر مستقیم رابه دستگیر ترین شکل ممکن هر چه وسیع تر بکار گیرد. کار سیاسی فعال در میان افشار رگوناگون جامعه، هدایت میا زره روزمره آنها بتولاش برای بالابردن سطح تشکل توده های خلق و وظیفه میرم عناصر پیشرو انقلابی در این مرحله از پیشرفت جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ماست سازمان ما در انجام این وظیفه به نیروهای خود رهنمود داده است که در زمینه افشاری سیاسی، بسربردن شعارها و مواضع مهم سازمان را بویژه از طریق بخش تراکت و شعرا رنویسی و در زمینه کار رتوده ای در میان تمام افشار خلق بویژه کار در میان رگوتاه تر از آن مرکز توجه خود قرار دهند.

هرگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) موفق شود مبارزه در راه حفظ و تحکیم وحدت و یک طبعه کار رگرومبارزه در راه سبط همکاری، اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میریالیستی کشور و اتحاد آن در جبهه متحد خلق را با انجام وظایف فوق گره زند و هماهنگ سازد، آنگاه با اطمینان باید گفت عمرا این روزهای تیره و تاری که بر خلق ما تحمیل می شود بسیار رگوتاه تر از آن خواهد شد که سران رژیم می پندارند.

فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

رفقا

گزارش فعالیت تشکیلاتی، هیات سیاسی دودوره کلامتفاوت را منعکس میکند. در دوره اول که تا پایان سال ۶۱ ادامه می یابد، مرکز ترش توناری و تحکیم سازمان های حزبی در سراسر ایران و انطباق هر چه بیشتر آن با موازین لیسنی زندگی حزبی که در فاصله دو پلنوم مردادماه ۶۰ و خردادماه ۶۱ پیش رفته بود، همچنان ادامه یافت.

در این دوره، وسیع ترین عضوگیری در تمام طول تاریخ سازمان با انجام رسیدن وای اس عضوگیری، وضعیت سازمانی کلیه نیروهای تشکیلات، بر مبنای برنامها و اساسنامه سازمان روشن گردید.

طی این دوره کمیته های ایالتی سازمان تمام بازاری شدند. سازمان ایالتی تهران و کمیته رهبری آن به مثابه نیرومندترین و مهمترین تشکیلات

بوده اند. ماطی سالهای اخیر کوشیدیم از وعده های زمامداران جمهوری اسلامی چنان نیروی ساخته شود که دیگر کسی نتواند بسادگی از آنها بگذرد. شعار بند جیم ودال را اجرا کنید" به شمار برجسته جنبش دهقانی بدل شد و آن توفی تر کرد. تا جایی که امروز رژیم دیگر قادر نیست بدون اسلحه و زندان مالک فراری را دوباره به ده بفرستد. آگاهی توده دهقانان، جنبش ضد بزرگی مالکی رازنده نگاه داشته است. با اطمینان باید گفت که بذری که در روستاها پاشیده شده چنان ریشه گرفته که نه سر نیزه زاندارم و نه بویکاری های مرتجعین هیچ کدام قادر نیست به مبارزه دهقانان و همه زحمتکشان علیه بزرگی مالکی پایان دهد. و با وضع رابحال سابق در آورد. در وضعیت فعلی بسج و هدایت مبارزه دهقانان علیه بزرگی مالکی بویژه علیه بازگشت بزرگی مالکان بازه روستاها در مرکز فعالیت فعالین دهقانی مافزار دارد. با اطمینان باید گفت که این مبارزه بازم گسترش و ژرفتری بیشتری خواهد یافت.

علاوه بر این توده دهقانان، بخصوص در جایی که بزرگی مالکی برانداخته شده است، برای استفاده از وام، کود، بذر و ماشین آلات کشاورزی و دیگر نیازهای تولید کشاورزی و همچنین علیه تبعیض و ناانگاریان شهر و روستا از نظر خدمات رفاهی مبارزه میکنند. در یکساله اخیر صدها مورد مراجعه دسته جمعی، تحصن، طومار نویسی، درگیریهای خشونت آمیز و اجتماعات و راهپیمایی های دهقانان با خواست منجمد از قبیل وام، ماشین آلات، مقابله با آفات و همچنین برای آب و برق برای روستا، توزیع عادلانه ارزاق و کالاهای کوبینی، تقاضای کشیدن راه و غیره از طرف روستائیان توتوع پیوسته است.

وارداتی رویه محصولات کشاورزی توسط حکومت و کلان تاجران، میلیونها دهقان هم میهن ما را ورشکست و از هستی ساقط و آواره شهرها کرده است. بخشی از نیروی دهقانان عملاً به حلبی آبادهای کنتر مبرها و بیوقوف محرومان آن منتقل شده است. نیروی دهقانان مهاجر، مبارزه توده ای محرومان شهری در این مناطق را که اشاعه های خاص خود از قبیل تامین نان، آب، برق، مسکن و غیره جریان دارد، حادتر کرده است. مهاجرت از روستا به شهر چنان وسیع است که نمیتواند در آینده ای نه چندان دور به بحران وسیعی فراتر رود. ما باید علاوه بر مبارزه علیه بزرگی مالکی این وجوه مبارزه و مطالبات دهقانان را نیز مورد توجه جدی قرار دهیم.

سازمان ما همواره افتخار آن را داشته که سنگر مطمئنی برای احقاق حقوق زنان باشد. زنان فدایی که پیش از پل کل اعضای سازمانند، همیشه یکی از فعالترین نیروها در کار توده ای در میان زنان بوده اند. دیدگاهها و اقدامات قرون وسطایی رژیم و تهاجم کین توتوانه آن علیه خنثی ریه و شخصیت زنان نیروی مقاومت بالقوه وسیع و نفرت ریشه داری را در میان آن ایجاد کرده است. جنبش انقلابی میهن ما می تواند در آینده این نیرو تکیه کند و بر امتیازک سازد. تشکل های توده ای زنان در شرایط فعلی البته کوچک و پراکنده اند. اما قادرند در مقابل یورش رژیم مقاومت کنند و نقش و تاثیر عملی قابل ملاحظه ای در جنبش اعتراضی خلق داشته باشند.

مبارزه علیه تبعیضات و محنتها که در زمینه حقوق زن در خانواده و در جامعه که قدم به قدم توسط حاکم مرتجع جمهوری اسلامی اعمال میشود، مبارزه علیه توطئه راندن زنان از محیط فعالیت اجتماعی و تولیدی به کتبخ خانه، علیه محروم کردن زنان از امکانات آموزشی، علیه متنوعیت اشتغال زنان در مقابل حساس و مهم، مبارزه علیه اجبار زنان به پوشیدن لباس مورد پسند ارتجاع همه و همه اجزای ایننگ از جنبش دموکراتیک و همگانی خلق علیه ارتجاع حاکم است. ما میتوانیم در این مبارزه نقش بازم فعال تری برعهده گیریم.

امروز سیاست ضد دموکراتیک و به غایت ارتجاعی هیات حاکمه بحران اجتماعی حادی را در جامعه ما دامن زده است. گسترش بی سابقه اعتیاد، فساد اخلاقی، جنایت و خشونت، رشد لحام کیخته ارتشا و اختلاف و سو استفاده از قدرت، افزایش سرسام آور تعداد بیسوادان، ترویج رسمی فرهنگ ستیزی و هنر ستیزی و لگدکوب کردن میراث غنی فرهنگ ایرانی، رواج گستاخانه " فرهنگ تزویر و دروغ و ریا و خرافات در جامعه، تزویر و رفتار بغایت اهانت بار و بیشرمانه با زنان، تشدید بیم و نگرانی نسبت به آینده و احساس اضطراب و عدم امنیت در تمام زمینه ها، عمده ترین مظاهر و پیامدهای حاد این بحران اجتماعی است. سیاستها و اقدامات قرون وسطایی هیات حاکمه عامل اصلی حداث این بحران است.

این سیاستها و اقدامات خضم و نفرت توده های وسیع خلق، کارگران و دیگر زحمتکشان و پیشروان رژیم، روشنفکران خلق سیاسی را برانگیخته و نیروی مقاومت وسیعی علیه آن ایجاد کرده و با یسارن دادن به آن را به سطح یک خواست تمام دموکراتیک فراروانده است. سازمان ما باید افشای بی امان این انحطاط اخلاقی، معنوی و فرهنگی را که ارتجاع حاکم به خلق ما تحمیل میکند با جدیت دنبال کند. فعالیت توده ای در این عرصه هم از امکانات بسیار مساعد وهم از ضرورت حتمی برخوردار است.

هدف رژیم از فاجعه جنایت باری که نام " انقلاب فرهنگی" بر آن نهاد و از وقعه به باله در کار دانشگاهها، سرکوب جنبش دانشجویی ایران و گرفتن سنگردانشگاه یکی زحمتکترین ذره ای انقلاب از نیروهای انقلابی و مترقی بود. ظاهراً چنین بنظر میرسد که ارتجاع حاکم در تفسیر دانشگاه موفق بوده است. لکن با اطمینان باید گفت دانشگاه همچنان آتش زبر خاکستر است. مبارزه انقلابی و جنبش دانشجویی چنان در دانشگاه ریشه کرده است که برای ریشه کن کردن آن فقط باید خود دانشگاه را از دل جامعه ریشه کن کرد. بیپوده نبود که ارتجاعی ترین جناح های حاکم "صراحتاً" تلاش کرده اند دانشگاهها را برای همیشه تعطیل نگاهدارند. اما علیرغم تیغ تصفیه جنون آمیزی که منجر به اخراج هزاران دانشجوی ترقی خواه شد، علیرغم قتل عام بیسابقه هزاران دانشجوی ترقی خواه و علیرغم سطره جو خفقان و پلیسی و گسل بدون کنگور و خود سرانه هزاران عنصر وابسته به ارتجاع تحت عنوان دانشجو به دانشگاهها. با اطمینان باید گفت که مبارزه انقلابی از نو در دانشگاهها جوانه میزند و از ریشه می رويد. دور نیست زمانی که جنبش دانشجویی نیز دوباره قدرافزارد و جنبش کارگری، مبارزه دهقانان و دیگران زنان و دیگر نیروهای اجتماعی را ممد کارگردد.

سران رژیم البته تلاش میکنند جلوی این روند را بگیرند. آنها در این راه گستاخی رابه حد کمال رسانیده اند. لغو کارمل اعتبار کنگور ورودی و گزینش دانشجو از طریق " محاکمه شرعی " داوطلبین ویراکت از داشتن هر نوع فکر و گرایش مترقی، تدوین آئین نامه انضباطی فاشیستی علیه دانشجویان و فساد فوق ارتجاعی و به غایت ضد دانشجویی

ایالتی سازمان، کمیته‌های نواحی آن و کمیته‌های بخش‌های تابع هر ناحیه نیز تجدیداً سازمان یافته یا تشکیل گردیدند. کمیته‌های شهرها هیات‌های مسئولین موقت در شهرهای مختلف ایران با سازای ویا تشکیل گردیدند. بدین ترتیب در این دوره سازمان موفق شد ۱۵۰ شهروندی اکثریت قریب به اتفاتی شهرهای ایران، تشکیلات خود را مستقر سازد.

در این دوره تشکیلات جوانان سازمان بر اساس اساسنامه سازمان جوانان فدائی، خلق ایران (اکثریت)، مأمور شده است. تجدیداً سازمان با اقتس و بنام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) فعالیت خود را در سراسر ایران گسترش داد. سازمان جوانان هزاران فدائی جوان را به عضویت پذیرفت و در خود سازمان داد. در همین حال با پیدایش تشکیلات ساخت که در سالهای ۶۰ و ۶۱ هیات سیاسی متساافانه با مراعات نیروی کافی برای ایجاد و گسترش سازمان‌های خارج از کشور توجه کافی مبذول نداشت.

بیشترت کار روسیع سازمان نگرانه در این سالها که علیرغم جوشیدفشسارو خفغان و تضییقات روزافزون دستگاه‌های سرکوب رژیم علیه سازمان، صورت گرفته است پیروزی بسیار بزرگی برای جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بشمار میرود.

نظریه تغییر اوضاع سیاسی کشور پس از بحران خادسال ۶۰ واستقرار دستگاه‌های سرکوب رژیم، هیات سیاسی به منظور تامین امنیت تشکیلات بویژه امنیت اعضای کمیته مرکزی و کارهای اصلی یکرشته تدا بیرحفاظتی خاص را به اجرا گذاشت. هدف این تدابیر از بین بردن وبی اثر گسترش اطلاعات گردآوری شده توسط رژیم درباره محل کار و زندگی و مراکز فعالیت دستگاه رهبری و از بین بردن امکان ضربه به دستگاه رهبری سازمان بود.

در این دوره نفوذ و فعالیت سازمان در محیط‌های کارگری تقویت شد و سازمان پیوند موثری با مبارزه کارگران و تشکیلات آنان برقرار کرد. گسترش این پیوند ها در افزایش سهم کارگران در میان اعضای سازمان تاثیر داشت. در پایان سال ۶۱ سهم کارگران در میان کل اعضا به ۲۰ درصد رسید. رشد سازمان جوانان نیز چشمگیر بود، به گونه‌ای که شمار اعضای آن با شمار اعضای سازمان برابر گردید. سهم زنان در میان اعضا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حدود ۲۳ درصد و در سازمان جوانان نزدیک به ۵۰ درصد بود. زنان همواره در سازمان ما چنین سهم قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

در دوره مورد گزارش مناسبات و همکاری های میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران بسط و گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. هیات سیاسی در این زمینه قطع نامه پلنوم های آفند ۵۹ و مرداد ۶۰ را راهنمای قرار عمل نمود داده بود. در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که بویژه اجرای قطع نامه پلنوم مرداد ۶۰ که "مشاره و همکاری میان دو سازمان را مورد نظر قرار میداد در نزدیکی و یگانگی نیروهای سازمان و حزب نقش قاطعی ایفا کرد.

با تهاجم جناح راست و ناجوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی بسه حزب توده ایران و تغییر بنیادین شرایط فعالیت سازمان، هیات سیاسی بلافاصله یک سلسله تدابیر عاجل در جهت حفاظت جدی در دستگاه رهبری سازمان و تامین امنیت کارهای اصلی اتخاذ نمود. هیات سیاسی مهمترین وظیفه تمام سازمان را تلاش در راه تامین اتمام اقدامات کاری رهبری و حفظ کارهای مشول سازمان قرار داد. شکل کار حوزه ها و کمیته‌های سازمانی در جهت تطبیق با شرایط تازه تغییر کرد. تغییرات بنیادین در نحوه سازماندهی و ارتباطات نیروهای سازمان و برای تقویت مقاومت در برابر تشدید فشار و بیگدرگی پلیسی در دستور کار عاجل رهبری قرار گرفت. در اینجا باید دیگر باید تاکید کرد که فداکاری و کار ایثارگرانه اعضا و هواداران سازمان، در زمینه تامین امنیت کمیته مرکزی و کارهای مشول آن و درختی کردن نقشه های رژیم علیه سازمان نقش بکلسی بی بدیلی ایفا کرد.

رژیم برای نابودی قطعی سازمان ما نقشه های دور و درازی رادر سر داشت. عمل اوین در تابستان و پیاپی گذشته بر اساس اطلاعاتی که مهندتها برای گردآوری آن تلاش کرده بودند پوروش وسیعی را برای بسط انداختن کمیته مرکزی آغاز کردند. آنها وسیع ترین عملیات تعقیب و مراقبت و حداکثر استفاده از تکنجه اسیران را برای رسیدن به نیت پلنوم خود بکار گرفتند. این پوروش علاوه هیج نتیجه چشمگیری برای آنان نداشت. با این همه رژیم طی سه ساله اخیر به تدریج موفق شده است چند نفر از اعضا و رهبران کمیته مرکزی و عمده بیشتری از کارهای مشول سازمان را اسیر سازد و مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دهد. از برخی از رفقای اسیر، از جمله از رفیق انوشیروان لطفی از یکسال پیش تا امروز کوچکترین اطلاعی انتشار نیافته است.

تشکیل این پلنوم با حضور اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی نشان میدهد که علیرغم بکارگیری همه حربه ها، رژیم در دستیابی به اهدافی که علیه سازمان ما فراروی خود قرار داده بود، شکست خورده است.

در طول سالهای ۶۲ و ۶۳ توجه عمده رهبری در زمینه مسائل سازمانی به کار بست اشکال مناسب سازماندهی و ارتباطات تشکیلات سازمان جوانان در سراسر ایران معطوف بوده است. این روند هم چنان در حال پیشرفت است. ایجاد تغییرات ضرور در ساخت سازمانی و حفاظت نیروها از دستبرد پلیس بیشترین نیرو و انرژی کمیته های تهران و شهرستانها رادر دو سال اخیر به خود اختصاص داده است.

بیشترت موفقیت آمیز فعالیت سازمان نگرانه در دو ساله اخیر مقاومت تشکیلات را در برابر پوروش های رژیم افزایش داده و شرایط فعالیت توده‌ای، تبلیغاتی و سازمان نگرانه را برای واحدهای سازمانی نیز حفظ کرده است. با این وجود، در امر رهبری تشکیلات نقص‌هایی وجود دارد، هنوز باید مشکلات زیادی راجل کرد.

واقعیات نشان میدهد که سازمان ما کامیابی‌های بسیار چشمگیری در عرصه فعالیت سازمانی بدست آورده و توانسته است نقشه های دشمن را برای نابودی دستگاه رهبری سازمان و درهم شکستن تشکیلات آن خنثی سازد. حفظ دستگاه رهبری سازمان از گزند دشمن که برای تداوم فعالیت آن دارای اهمیت حیاتی است، پیروزی بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

رفقا

با تغییر اوضاع و پوروش سرکوبگرانه رژیم طی دو ساله اخیر وظایف بس سنگین تری در زمینه فعالیت تبلیغی و ترویجی برعهده سازمان قرار داشته است. در این دوره تجربه و تحلیل روندها و تحولات اوضاع سیاسی و سمت گیری و سیاستها کمیته و وظایف ما در زمینه افشای آن، اهمیت کلاملا ویژه‌ای داشت. هیات سیاسی در این شرایط حاد به این وظیفه

خاطر خود عمل کرد. در این رابطه بلافاصله هیات سیاسی دو تارهای از فعالیت تبلیغی و ترویجی را آغاز کرد. "بولتن داخلی" که در آن زمان یگانه تریبون بیان مواضع و نظرات سازمان بود، تا پیاپی ۶۲ متداوما انتشار می یافت و در سراسر کشور توزیع میگردد. به علاوه اعلامیه ها و بیانیه های کمیته مرکزی درباره حادثترین مسایل کشور در دوره مورد گزارش در پاس گویی به نیازهای جنبش انتشار یافته و توسط نیروهای سازمان به میان مردم برده شده است. علاوه در یکسال اخیر دو مساله مهم تحت عنوان "مسائل انقلاب و مواضع ما" در شهرپور و در بهمن ۶۲ نیز انتشار یافته و در سراسر کشور به وسیع ترین شکل ممکن حساب و بحث شده است. این مساحه ها در توضیح رویدادهای کشور و تهبیه نیروها نقش مؤثری داشته است.

از همه بهتر انتشار دوره جدید نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان است. "کار" پس از دو سال وقفه از نو انتشار یافت و در کار بسیع و تهبیه نیروهای سازمان نقش حیاتی برعهده گرفت. هم اکنون همه ماهه "کار" بو کوشش خلاقانه واحدهای تشکیلات در هزاران نسخه چاپ و در سراسر کشور توزیع میشود. در حال حاضر کار یگانه نشریه انقلابی در ایران است که در این شرایط خفغان و سرکوب در این سطح وسیع منظما انتشار می یابد.

در شرایطی که رژیم به دروغ مدعی است همه سازمان های انقلابی را نابود کرده و اقتدر نیرومندانست که کسی را برای اعتراض نیسمت بخش وسیع تراکت ها، اعلامیه ها و دیگر موضعگیرهای سازمان هر روز اهمیت بیشتری کسب میکند. هیات سیاسی با توجه به اهمیت تبلیغ سه وسیله تراکت و هم چنین شعارنویسی و بیخس اعلامیه در این زمینه رهسودهای خود را به نیروهای سازمان ابلاغ کرده است. واحدهای تشکیلات توده ه وسیع هواداران از بین رهسود استقبال کرده اند. هم اکنون تلاشهای فداکارانه اعضا و هواداران نام برافتخار سازمان ما، نام سازمان نشان خلق ایران (اکثریت) را در جنبش توده‌ای زحمتکشان بینمان ظنین افکن می سازد و نقش و تاثیر آن را در روند رویدادها گسترش میدهد.

با اینحال باید گفت علیرغم همه کارهای انجام شده در این زمینه هنوز باید کارهای زیادی انجام دهیم. مسله مهم در این زمینه یافتن راه های گسترش دامنه و افزایش سازده فعالیت تبلیغی در این شرایط خفغان است. فعالیت تبلیغاتی در خارج از کشور نیز در طول دو ساله اخیر گسترش یافته است. نشریه "اکثریت" با محتوای تبلیغی سیاسی بطور هدفکی منظما انتشار می یابد و در سطح بیش از بیست کشور جهان توزیع میشود. ترجمه مهمترین مواضع اعلام شده سازمان نیز در کشورهای مختلف در اختیار نیروهای ترقی خواه قرار میگردد.

در دوره مورد گزارش به دلیل شرایط موجود در زمینه انتشار نشریات ترویجی کار چشمگیری صورت نگرفته است. در این رابطه فقط باید از نشریه "آموزشهای از انقلاب و سوسیالیسم" نام برد که پس از حدود یکسال وقفه از اوایل سال جاری مجددا انتشار یافته است. هیات سیاسی تلاش میکند فعالیت ترویجی سازمان را در جهت پاسخ گوئی به نیازهای جنبش وسعت بخشد.

چنین است سیاسی عمومی ارزیابی ها، سیاستها و فعالیت های سیاسی کمیته مرکزی در دوران مورد گزارش از جانب هیات سیاسی از توجه کمیته مرکزی به گزارش های سیاسی تشکر و برای مردم زحمتکش ایران پیروزی آزادی، رفاه آرزو میکنم.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع پیروزیا دمبارزه مردم ایران در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مهر ماه ۱۳۶۲

قراری مصوب پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نظریه تغییر اوضاع کشور و نیازهای جنبش پلنوم کمیته مرکزی هیات سیاسی منتخب پلنوم را موظف به اجرای قراری زیر ساخته متن قراریا بدین شرح است:

دوباره اساسنامه پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هیات سیاسی منتخب را موظف میکند که در جهت اصلاح اساسنامه موقت سازمان و آرا ف آن به پلنوم آینده برای تصویب اقدام لازم را به عمل آورد.

دوباره بنامه پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هیات سیاسی منتخب را موظف میکند پس از انجام تغییرات لازم در طرح برنام سازمان آنرا جهت تصویب به پلنوم آینده کمیته مرکزی ارائه دهد.

تصحیح ضرور

در شمار قبیل متساافانه یک با راگراف از ماده ۷ قطعنامه «درباره انقلاب و ماهیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جا افتاده است که ضمن پوروش هر دو بار راگراف آن در این شماره درج میشود. از رفقا و دوستان عزیز تقاضا میشود متن با راگراف دوم این ماده را به متن قطعنامه فوق در بکار، شماره ۹ اضافه کنند.

ماده ۷ قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران امپریالیسم و جریب های وابسته به آن و نیز نیروهای رتجایی و راستگرای درون حکومت که بر زمینه رشد و تقویت سرما بهای بزرگ تجاری مواضع خود را مستحکم میکنند در او خراسال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ همراه با خبریات قشری جدا کنترتلاش خود را برای تشدید خنثی و تفرقه میان نیروهای ترفیخواه کشور بکار گرفتند. این توطئه در کنارتوطئه امپریالیستی تحمیلی جنگ بسه ناپودی بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای ترفیخواه و کشور و تقویت نیروهای راستگرا و محافظه کار در حکومت منجر گردید.

بدستال این تحولات، برتری نیروهای مدافع انقلاب در حکومت از میان رفت و استبداد مذهبی مستقر گردید. با اینحال جدال بر سر املاجات اقتصادی اجتماعی که اجرائ آنها از مدتی قبل متوقف شده بود، ادامه یافت و فشار نیروهای ارتجاعی برای تغییر مستحکمتری فدا امپریالیستی حکومت تشدید گردید.

انقلاب اکتبر ...

بقیه از صفحه اول هر چه بیشتر در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم برگزار شد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که بسا جانفشانی و قهرمانی مردم اتحاد شوروی به نمر رسید طلایع آزادی نهائی همه بشریت و سر آغاز عصری دیگر، یعنی عصر گذار به سوسیالیسم و بی‌بریزی جهان نوین بود.

با پیروزی انقلاب اکتبر که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و پیشوای آن لنین تحقق یافت، تسلط جهانگیر امپریالیسم پایان گرفت. در جبهه جهانی سرمایه شگافی عمیق بوجود آمد و بر پایه اتحاد کارگران و دهقانان جامعه‌ای شکل گرفت که انسان زحمتکش عمده ترین ثروت آنرا تشکیل میدهد. با پیروزی انقلاب اکتبر اولین بحران عمومی جهان سرمایه داری آغاز گشت و ستم مستعمراتی امپریالیسم با بحران مرکزی آوری مواجه گشت و بنای فروتن آن زیرس بنک‌های کوبنده خلقهای ستمدیده رو به فروپاشی گذارد.

انقلاب اکتبر خلق‌های ستمدیده را بیش از پیش به صحنه مبارزه انقلابی کشاند و در بیداری و ارتقا، آگاهی زحمتکشان نقش عظیمی ایفا نمود و اندیشه‌های تابناک انقلابی و تفکوری جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم را در تمام جهان رسوخ داد. انقلاب اکتبر سر آغاز تحولی زرفر اندیشه انسانها و پیروزی جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم در مقیاس تاریخی و جهانی بود.

راهی که خلق شوروی در شصت و هفت سال پیمود اثبات کرد که سوسیالیسم برای زحمتکشان برای اجتماعی، اعتماد و اطمینان به آینده و اعتلای بی‌وقفه سطح زندگی مادی و معنوی را تأمین می‌نماید. انقلاب اکتبر جامعه‌ای آفرید که در آن همه چیز در راه سهروری انسان و بنام انسان صورت می‌گیرد.

سوسیالیسم برای نخستین بار در تاریخ به حل مسائلی موفق شد که بشریت هزاران سال با آن درگیر بود. در زادگاه اکتبر بهره کشی فرد بر افتاد و مالکیت اجتماعی بر سوا سیل تولید تأمین شد. زنان که نیمی از مردم هستند از زندان خانه آزاد گشته و قدم به عرصه فعالیت سازنده اجتماعی گذاشتند و برابری حقوق زن و مرد تأمین گشت. ستم ملی در کشور شوراها ریشه کن شد و برابری کامل حقوق ملیت‌ها و خلق‌های ساکن کشور فراهم گشت. مسائل و اقوام گوناگون با کسب حق حاکمیت ملی و تشکیل جمهوریهای ملی و خودمختار، دا وطلمانه و بر پایه برابری حقوق و همیاری برادرانه دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را تشکیل دادند. حل لنینیستی مسئله ملی در کشوریکه پیش از صد ملت در آن زندگی میکنند ره آورد بزرگ انقلاب اکتبر بود.

سوسیالیسم در طی چند دهه اخیر علیرغم دشواریهای عظیم، راه خود را پیروزمندان به جلو گشود. اتحاد شوروی با پایبندی حماسی در برابر تعرض فاشیسم هیتلری و درم کوبیدن و نابود کردن آن فصل جدیدی را در پیوسته و پیشرفت سوسیالیسم گشود. در اثر پیروزی بر فاشیسم یک سلسله از کشورهای اروپا و آسیا از قید رژیمهای مرتجع سرمایه داری و سلطه استعمار آزاد شدند و سیستم جهانی سوسیالیستی بوجود آمد. سوسیالیسم با التیام جراحات جنگ راه شکوفایی اقتصادی را پیمود. در سال ۱۹۱۹ کشور شوراها که ۱۶ درصد خاک و ۷/۸ درصد جمعیت جهان را در بر میگرفت، نزدیک یک درصد از محصولات جهانی را تولید میکرد، اکنون سیستم جهانی سوسیالیستی که با نژده کشور جهان و ۲۶/۲ درصد خاک و ۲۲/۵ درصد جمعیت جهان را دربر دارد و بیش از ۴۰ درصد فرآورده‌های جهان را تولید میکند.

در زادگاه اکتبر اقتصاد با رشد موزون و بی

وقفه به پیش میرود، ترس از بحرانهای اقتصادی و بیگاری وجود ندارد. زندگی زحمتکشان بر اثر پیشرفت‌های اقتصادی دانشا بهبود بیشتر می‌یابد، سیستم سیاسی سوسیالیسم اعتدلال می‌یابد و دموکراسی سوسیالیستی تکامل پیدا میکند. تولیدات صنعتی اتحاد شوروی از سمرز ۲۵٪ تولیدات جهانی گذشته است. اکنون میزان درآمد ملی سوسیالیستی به ۶۵ برابر زمان پیش از انقلاب رسیده است. در سال ۱۹۲۰ صنایع آمریکا بیش از ۶۸ برابر صنایع اتحاد شوروی محصول تولید میکرد ولی در حال حاضر فرآورده‌های صنعتی شوروی به ۸۰ درصد فرآورده‌های آمریکا رسیده است.

امروز سوسیالیسم به عامل تعیین کننده روند تحولات جهانی بدل گشته و ابتکار تاریخی را در دست دارد. تناسب نیروها بیش از پیش سود سوسیالیسم تغییر میکند و سیاست‌های تجارکارانه و جنگ افروزانه امپریالیسم برای برگرداندن چرخ تاریخ با ناکامی روبرو میگردد. انقلاب اکتبر برای مردم مین ما بزرگ رویداد رهایی آور و الهام بخش بود. پیروزی انقلاب اکتبر سبب تقویت جنبش انقلابی در کشور ما شد. قیام خیابانی، جنبش جنگ قیام سپان و مبارزات حزب کمونیست ایران تحت تاثیر رویداد جهانی انقلاب اکتبر قرار داشتند و از آن توشه معنوی گرفتند. در همه این مبارزات مردم ما از حمایت نثرنا سیونالیستی دولت جوان اتحاد شوروی برخوردار بوده است که خود با مخالفان داخلی و مداخله گران امپریالیستی دست و پنجه نرم میکرد.

لنین در اولین خطابه خود بعنوان صدر شورای کمیسرهای خلق به تمام زحمتکشان سلمان روسیه و شرق گفت: "ما اعلام میداریم که قرار داد تقسیم ایران از هم دریده و نابود شده است. از جانب روسیه و دولت انقلابی وی اسارت در انتظار شما نیست بلکه از جانب درندگان امپریالیست یعنی از جانب آنهاست که ستم مین شما را به ستم توهین شده و تاراج رفته خویش بدل ساخته اند."

با این اعلام کلمه امتیازات تزارسیسم در ایران ملغی گردید و سر اثر این اقدام بانک استقرایی و سایر بانک تزارسیسم به مالکیت ایران درآمد. ایران ازیر ادخات قروض خود به روسیه تزاری معاف گردید. حق ایران در کشتیرانی بحر خزر احیا و گام تقوالتیون و حقوق کمکی ناشی از قرارداد ترکمنچای لغو شد. این رویداد، احترام و تحسین عمیق مردم کشور ما را نسبت به اتحاد شوروی برانگیخت.

پس از استقرار حاکمیت شوراها، سیاست دولت شوروی بیوسه متوجه تقویت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ما بود. اتحاد شوروی ایران را از هجوم فاشیسم در اثر دفاع قهرمانانه از سرزمین خویش حفظ کرد و با نقشه انگلیسی و آمریکا تقسیم ایران پس از جنگ دوم جهانی که در واقع احیای نقشه ۱۹۰۷ بود، مخالفت ورزید و موجب شکست این نقشه جنايت بار شد. اتحاد شوروی از جنبش خلق ما و از انقلاب بهمین ۵۷ قاطعانه پشتیبانی کرد. اتحاد شوروی زمانیکه آمریکا بر تدارک کسبل نیرو برای سرکوب جنبش ما برآمده بود با اخطار جدی خود این دسیسه امپریالیسم را عقیم کرد. دولت شوروی در جریان مبارزه اقتصادی ایران توسط کشورهای امپریالیستی به مین ما کمکهای ثابان توجهی نمود.

رهبران جمهوری اسلامی با وجود کمکهای موثر و گسترده دولت شوروی به مین ما، همزمان با نزدیکی به کشورهای غربی و خیانت به انقلاب و مردم، با کارزار تبلیغاتی وسیعی علیه اتحاد شوروی راه انداختند و به تحریف حقایق ساختمان سوسیالیسم و کمک‌های ارزنده کشور شوراها به مین ما پرداختند. ولی مردم ما بر پایه تجارب تاریخی و واقعیت‌های عینی در سیمای اتحاد شوروی دو سنی مدیق و پشتیبانی بیکر و وفاداری می‌یابند. انقلاب اکتبر و تلاشهای بیکران مردم اتحاد شوروی برای بنای ساختمان جامعه فارغ از جور و ستم، الهام بخش همه نیروهای مترقی و انقلابی ایران در بیکار علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم جهانی است.

تورور ایندیرو گاندی: توطئه یلید عوامل امپریالیسم و ارتجاع

ایندیرو گاندی نخست وزیر هندوستان، در آستانه انتخابات عمومی و پس از شورش تجزیه طلبان سبک در ایالت پنجاب که به تحریک آمریکا و پاکستان صورت گرفته بود دست دروغرا از محافلین خود به قتل رسید. تورور ایندیرو گاندی که بدست عوامل مرتجع و تحریک شده صورت گرفت برای هندوستان ضایعه بزرگی بود. این حادثه ناگوار موجب نارضحتی و نگرانی مردم هندوستان و تاسف و تالم خاطر نیروهای ترقی خواه جهان گشت.

خانم گاندی در مقام نخست وزیر هندوستان و بعنوان رئیس جنبش غیر متعهد تلاشهای وسیعی را برای حفظ صلح جهانی و امنیت بین المللی انجام داد. او به ارتقا نقش جنبش غیر متعهدها کمک نمود. و در جهت حفظ استقلال کشور خویش کوشش و تلاشهای وسیعی را با کشورهای سوسیالیستی و تلاحهای زیاد می‌کرد. دولت هندوستان زیر رهبری ایندیرو گاندی سیاست خارجی مستقل، ملحو بانه و مترقی را پیش برد که در خدمت تقویت جبهه جهانی فدا امپریالیسم بوده است.

قتل خانم گاندی بی تردید در ارتباط با نقش مثبت هندوستان در منطقه و سیاست‌های استقلال طلبانه نبوده است. هدف اصلی کینندگان به خانم گاندی تشویق متوجه نابودی سیم او نبود. آنها می‌خواستند اختلافات مذهبی و قومی را دامن بزنند و بر فسادنا فاع و مصالح خلقهای ساکن کشور، وحدت و یکپارچگی هندوستان را از بین ببرد و به استقلال کشور لطمه وارد آورند.

امپریالیسم آمریکا در اغتشاشهای هند و در اقدامات علیه خانم گاندی مشخصا نقش داشت. موجخسوت و اغتشاشی که بعد از قتل خانم گاندی سر اسر هندوستان را فرا گرفت موجب کشتاردها نفر اغتشاش ها فروکش کرد و نظم و آرامش برقرار گردید. نیروهای ترقی خواه جهان امیدوارند که خانم گاندی، هندوستان همچنان بعنوان کشور مستقل در راه تأمین صلح جهانی کام بردار و مردم هند برسد و به نفع امپریالیسم علیه استقلال کشور غلبه کند و به نفع سایر بزرگ کشورها در تقویت جبهه جهانی فدا امپریالیستی بیکران کوشش دهد.

انتخابات نیکاراگوئه، تجلی حمایت مردم از ساندینیست‌ها

انتخابات عمومی نیکاراگوئه برای تعیین رئیس جمهور و معاون آن و ه ه نفرنا سبدا نجلین ملی، علیرغم تلاشای مذبحانه دولت ریگلس و مزدوران آن با موفقیت هرچه تمام تر برگزار گردید. ۷۲ درصد از وجدین شرایط (حدود یک میلیون و بیانصد هزار نفر) با رغبت به یای صندوقهای رای رفتند. در بین هفت حزب سیاسی که نامزدهای خود را اعلام کرده بودند، جبهه ساندینیست‌ها بهترین آرا (حدود ۵۴ درصد) را بدست آوردند و نایل اورنگا که هفتاد و هفت کسب کننده شورای دولتی نیکاراگوئه و بعنوان رئیس جمهور انتخاب شد. کاندیدا های ساندینیست برای ای مجلس ملی ۱۵ نفر کارگرو بقیه از بین دهقانان معلمین و بزنگا نوسا بر افتا مردم انتخاب شده بودند ساندینیست‌ها بر تله خود را برای تحول بنیادین اقتصادی و اجتماعی با مع و حفظ استقلال کشور در اختیار مردم گذاشتند. انتخاب ساندینیست‌ها به معنای پیروزی ساندینیست‌ها بوده و به وسیع مردم از بر تله و موسا زره قاطع و بیکران آن علیه امپریالیسم آمریکا و نگران و مرتجعین داخلی بود.

در این انتخابات حدود ۵۰ هزار نفر از طریق لمللی از ۲۰ کشور جهان منجمله از آمریکا، اروپای غربی و کشورهای آمریکا از لنین بر جریا ن برگسزاری انتخابات نظارت می‌کردند. ناظران شاهد بر گزار ای اولین انتخابات واقعاً دمکراتیک و همگامی در نیکاراگوئه بودند. با وجود تبلیغاتی که دولت آمریکا علیه این انتخابات راه انداخته بوده شرکت تلویزیونی ای - سی - سی اعتراف کرده که انتخابات آزاد و عادلانه بود. گورلا کار دو " نماینده برلمان انگلیسی تا بید کرد که شرکت دسته جمعی مردم نیکاراگوئه در انتخابات نمایشگروفا داری آنها به جریا ن انقلابی است.

با پیروزی ساندینیست‌ها، دولت ریگان اقدامات خود را علیه نیکاراگوئه تشدید کرده و در صدمه‌ها صره همه جا تبه آن برآمده است. هم اکنون تفنگساران دریایی که سال گذشته گران دارا اشغال کردند آماده حمله به نیکاراگوئه هستند ولی مردم با انتخاب ساندینیست‌ها بر ایستادگی دولت انقلابی در مقابل تهاجمات آمریکا صحت گذاشتند. دانسیل اورنگا اعلام کرده است که با تمام قوا از خاک مین در مقابل تجار و زگران دفاع خواهد کرد و از جاره نخواهد داد که کشورش به اشغال آمریکا دربیاید.

با کلاه مکتبه کنید!

وفا و دوستان عزیز!
تشریح کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتقا همه خوانندگان خود را با تشریح فراهم کرده است. همه سازمان انقلابی می‌توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادها و نظرات خود را به آدرس زیر برای تشریح کار ارسال کنند.

اطریش

Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA

با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

پیش بسوی جبهه متحد خلق